

نمایشگاه منتخب آثار موزه «لوور»

در تهران گشایش یافت

«ژان لوک ماینتنس» رئیس موزه لوور در مراسم گشایش این نمایشگاه حضور داشت

شاخص‌ترین اثر این نمایشگاه پیکره «ابوالهول» از سنگ بال‌الت است

این نمایشگاه تا ۱۸ خرداد در موزه ملی ایران دایر است

صفحه ۳

سه شنبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۶ - ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۳۹ - ۶مارس ۲۰۱۸ - سال نودیدوم - شماره ۲۶۹۵۷ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - استان های تهران و البرز ۵۰۰ تومان - سایر استان ها ۲۰۰ تومان

در دیدار وزیر امور خارجه فرانسه

# روحانی: برهم خوردن برجام همگان را پشیمان خواهد کرد

ایران محدودیتی در توسعه مناسبات دوستانه و همکاری با فرانسه قائل نیست

ریشه کنی تروریسم و کمک به مردم سوریه باید در اولویت باشد

اراده دو دولت ایران و فرانسه، برقراری و توسعه روابط همه جانبه، مستحکم و دوستانه میان دو کشور است

پایرجا ماندن برجام به دنیا ثابت می‌کند که مذاکره و دیپلماسی بهترین گزینه برای حل مشکلات بوده و برهم خوردن آن به معنای این است که مذاکرات سیاسی اتلاف وقت است

مبارزه تا محو کامل تروریسم و کمک به مردم سوریه از اولویت‌های مهم همکاری ایران و فرانسه در منطقه است

هیچ راهی جز تقویت دولت مرکزی در دمشق برای حل بحران سوریه وجود ندارد

لودریان وزیر امور خارجه فرانسه: تمام تلاش خود را برای پایرجا ماندن برجام انجام خواهیم داد

اروپا توافق هسته‌ای با ایران را سندی اساسی به ویژه در چارچوب توسعه امنیت و ثبات منطقه‌ای قلمداد می‌کند

شمخانی در دیدار وزیر خارجه فرانسه: سیاست اروپا در امتیازدهی به آمریکا برای باقی نگه‌داشتن این کشور در برجام به معنای تسلیم شدن در برابر بازی روانی ترامپ است

ظریف در دیدار همتای فرانسوی اش: موضوع موسکی ایران خارج از برجام و حتی قطعنامه ۲۲۳۱ است

اروپا اجازه ندهد آمریکا علیرغم وعده‌ی‌ها و نقض‌های خود، خواست‌های غیرمنطقی و غیرحقوقی هم مطرح کند

صفحه ۲

روسیه از موتور هسته‌ای برای موشک‌های

برد نامحدود رونمایی کرد

موتور هسته‌ای جدید، مافوق صوت است و می‌تواند موشک‌های بالدار را با عبور از قطب

شمال و جنوب به هر نقطه‌ای از کره زمین بفرستد

چین از بیم جنگ سرد جدید میان روسیه و آمریکا، بودجه نظامی خود را ۸ درصد افزایش داد

صفحه ۱۶

مدیرکل آژانس اتمی: به همه

سایت‌های ایران دسترسی داریم

«یوکیا آمانو»: شکست توافق هسته‌ای زبانی بزرگ برای تمامی طرفین خواهد بود

ایران همچنان به انجام کامل تعهدات خود طبق مفاد توافق هسته‌ای ادامه می‌دهد

مدیرکل آژانس بین المللی

انرژی اتمی هشدار داد: شکست

توافق هسته ای زبانی بزرگ برای

تمامی طرفین خواهد بود.

به گزارش مهر به نقل از

پایگاه اطلاع رسانی آژانس

بین‌المللی انرژی اتمی، «یوکیا آمانو»

مدیرکل آژانس بین المللی انرژی

اتمی باردیگر پایبندی ایران را به

تعهداتش طبق توافق «برنامه جامع

اقدام مشترک» (برجام) تأیید کرد.

بر این اساس مدیرکل آژانس

با انتشار بیانیه ای در نشست

حکام آژانس بین المللی انرژی

اتمی با اشاره به نظارت این نهاد

بر فعالیت‌های هسته ای ایران طی

دو سال اخیر اعلام کرد: آژانس در

این دو سال شاهد اجرای تعهدات

ایران بوده است.

آمانو افزود: ایران همچنان به

انجام کامل تعهدات خود طبق مفاد

توافق هسته ای ادامه می‌دهد.

مدیرکل آژانس در این بیانیه

همچنین یادآور شد هر گونه

شکست این توافق می‌تواند به

زبان تمام طرف‌ها باشد.

در بخش دیگری از این بیانیه

آژانس خواستار شفافیت بیشتر در

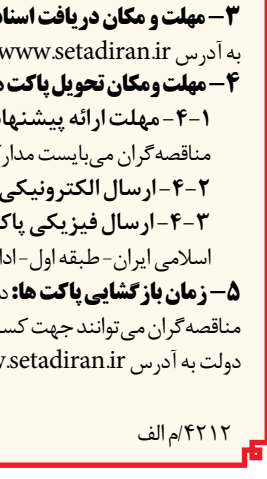
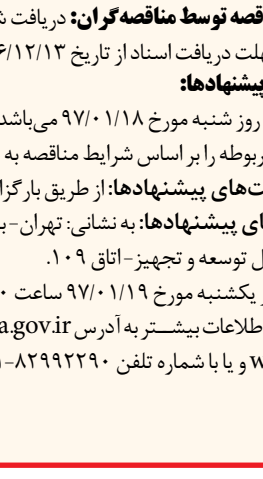
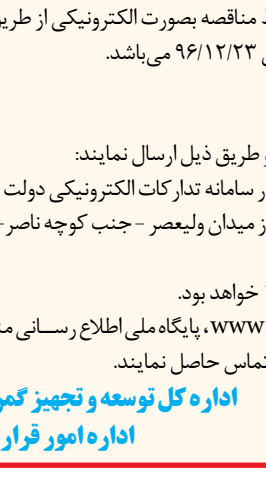
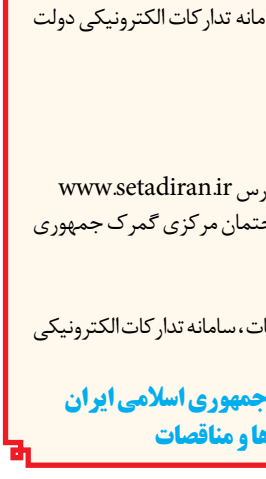
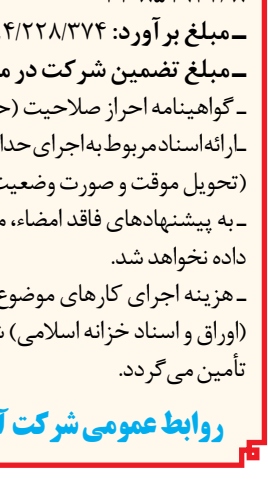
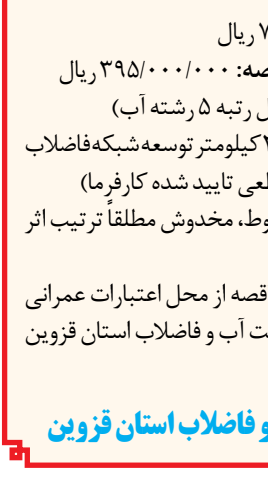
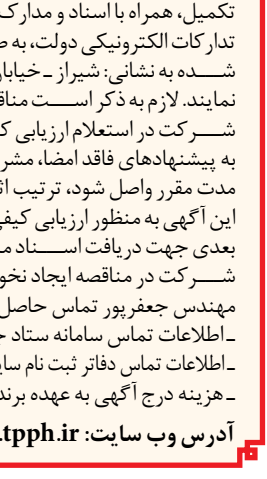
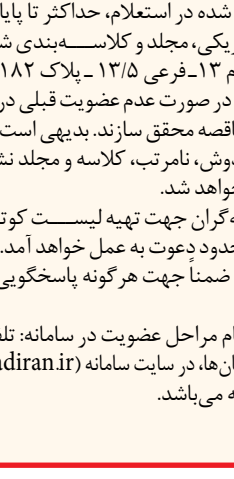
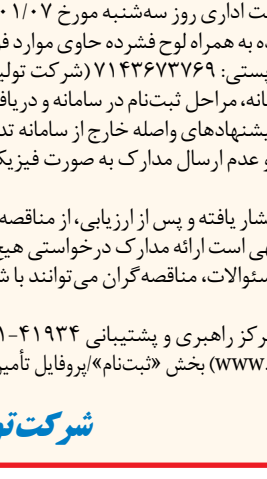
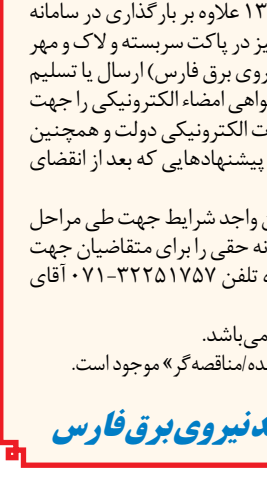
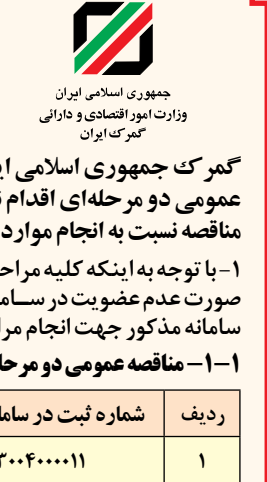
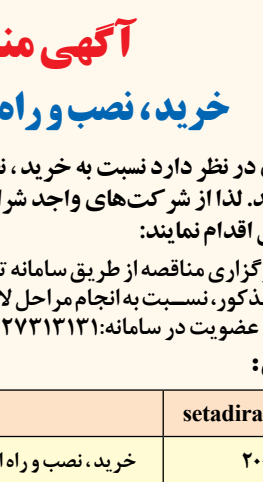
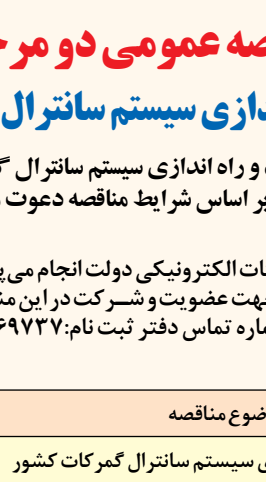
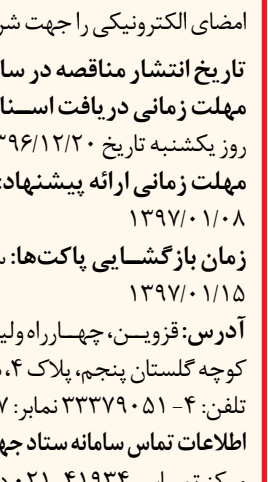
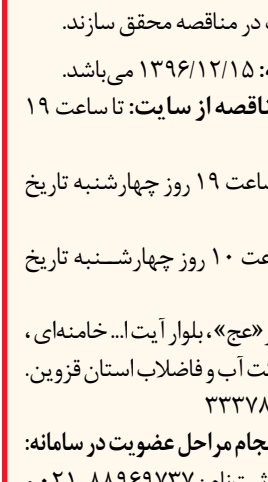
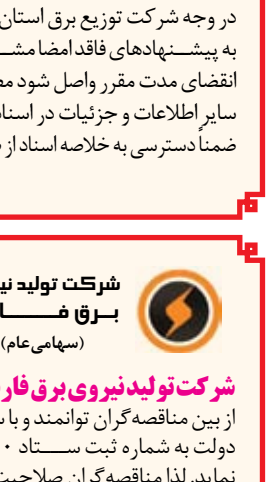
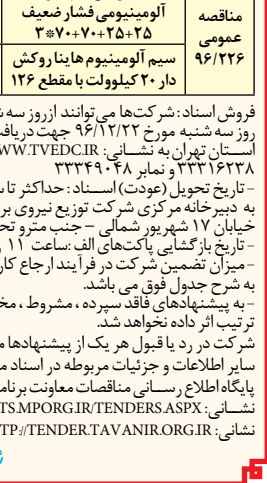
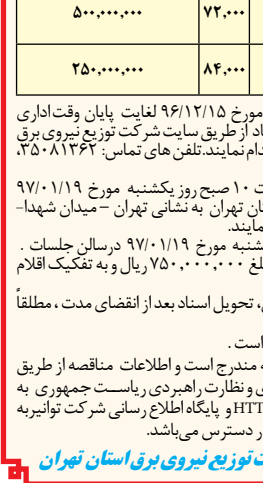
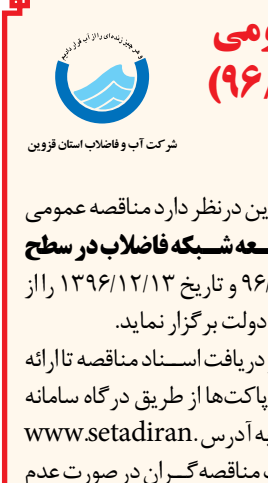
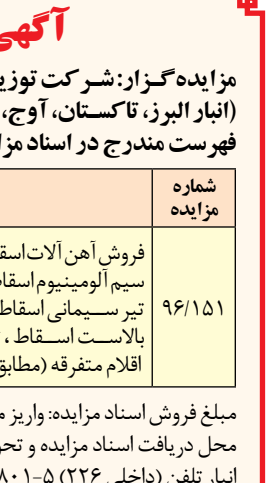
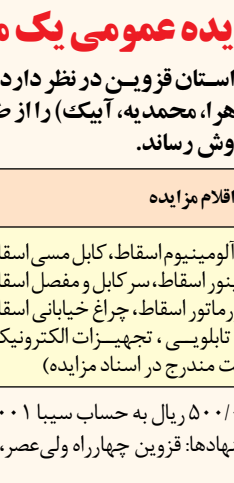
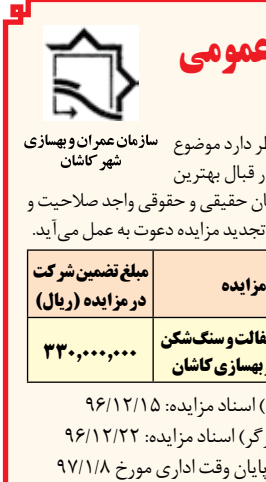
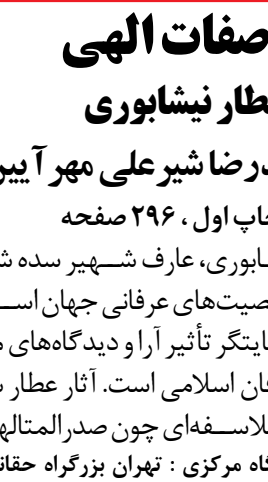
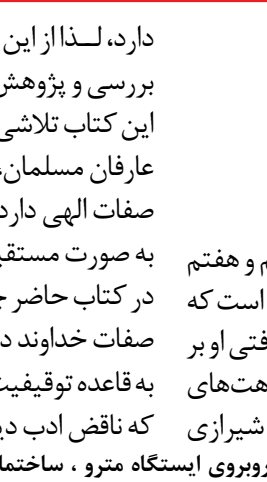
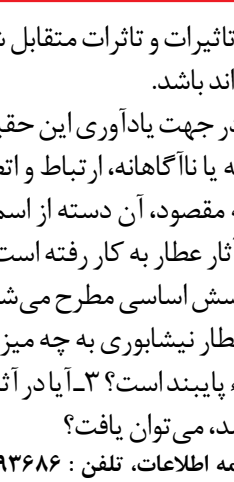
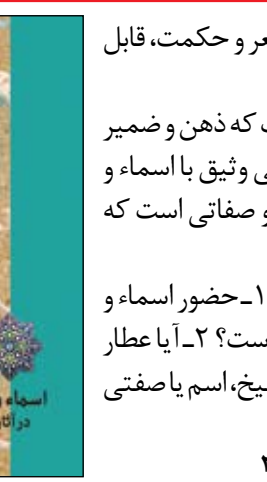
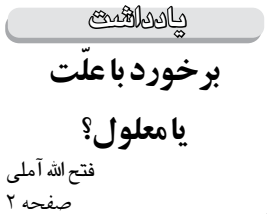
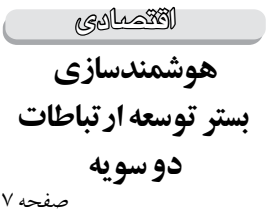
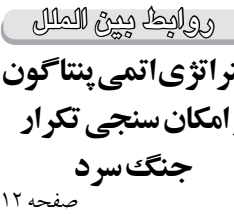
توسعه چرخه سوخت هسته ای

از سوی ایران شده است. بر این

اساس آژانس طبق وظیفه خود

برای بازرسی، به تمام سایت‌ها و

اماکن مورد نیاز دسترسی دارد.





















## خرد پیشرفت و توسعه

**دکتر رضا داوری اردکانی**
**بخش اول**



**از پیشرفت تا توسعه**
پیشرفت تاریخی از جمله اصول تجدد است و بنابراین می توان تجدد را جهان پیشرفت دانست. مراد از «پیشرفت» در اینجا، سیر به سوی کمال معنوی و اخلاقی نیست، بلکه پیشرفت در ساختن دالم دنیای آدمی است. در نیم قرن اخیر «توسعه» جای پیشرفت را گرفته است. شاید هم تجدد در سیر خود به جایی رسیده است که امکان پیشرفتش پایان یافته و به جای پیشرفت، توسعه می یابد. اگر از لفظ پیشرفت، افزایش و بهبود فهمیده می شود، توسعه حکایت از افزایش و گسترش می کند؛ یعنی در توسعه چیزی که هست، بیشتر می شود و گسترش و بسط می یابد. پیداست که این جمله بیان معنی اصطلاح توسعه نیست؛ اما شاید در فهم این معنی و درک امکان‌های توسعه به کار آید.

توسعه متعلق به زمانی است که کشورهای صاحب اقتصاد پیشرفته به مرحله‌ای از علم و فناوری و تولید یه با به اصطلاح به مرحله باتزولید برای زندگی مصرفی رسیده‌اند. در همین مرحله بود که کشورهای آمریکای لاتین و آسیا و آفریقا، «توسعه‌یافته» یا «در حال توسعه» نامیده شدند. این کشورها قرون هجدهم و نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم را نگذرانده بودند که بتوانند توسعه‌یافته باشند. توسعه‌یافتگی مقدمات و سوابقی می‌خواهد و کشورهایی که در زمان ما این سوابق را نداشته‌اند، نمی‌توانند توسعه‌یافته باشند. نکته‌ای که توجه به آن ضرورت دارد، این است که توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی در تاریخ جدید معنی دارد؛ یعنی به طور کلی نمی‌توان گفت که هر نظم زندگی هر وقت که بوده، اگر مثلا شاهیته می‌نماد، توسعه‌یافته بود. توسعه‌نیافته توسعه است. به تمدن‌های قدیم صفت توسعه‌نیافته نمی‌توان داد.

**شأنیت توسعه‌یافتگی**
تقابل توسعه‌نیافته با توسعه‌یافته به اصطلاح اهل منطق، تقابل علم و ملکه است. در تقابل علم و ملکه، موضوعی که متصف به صفتی می‌شود یا صفتی از آن سلب می‌شود، باید شأنیت احراز آن صفت را داشته باشد؛ مثلا سنگ چشم ندارد و نمی‌بیند، اما به آن نابینا نمی‌گویند؛ زیرا شأنیت بینابودن ندارد. جهان‌های قدیم هم شأنیت توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی نداشته‌اند؛ ولی آیا جهانی که اکنون توسعه‌نیافته خوانده می‌شود، واجد شأنیت توسعه‌یافتگی است؟ اگر توسعه (در اصطلاح اروپایی‌اش) به معنی گشوده‌شدن و از درون به درآمدن و گسترده‌شدن باشد، در جهان معروف به توسعه‌نیافته، چیزی برای بسط و گسترش نمانده است. اگر چیزی هم از تجدد فراگرفته، از باطن تجدد جدا بوده و در زمرهٔ آداب و علوم و مهارت‌های رسمی و ظاهری قرار داشته است.

از اینجا که بگذریم، توسعه‌نیافته نمی‌است که اروپا به کشورهای داده است که در راه علم و فناوری و تولید و مدیریت و بهداشت و آموزش، پیشرفتی نداشته و آموخته‌ها و مکتبشات خود را هماهنگ نکرده و در جای مناسب چشم ندارد و نمی‌بیند، اما به آن نابینا نمی‌گویند؛ نام چیست، در ظاهر درست است که همه کشورها از آغاز قرن بیستم می‌توانستند در تجدد اروپایی شریک شوند، چنان‌که ژاپن شریک شد و کره و تایوان و چین هم به توسعه رسیده یا به آن نزدیک شده‌اند؛ اما این مشارکت علاوه بر شرایط مادی و رسمی، به شرایط روحی و فکری نیز موکول و موقوف بوده است.

اروپایی جدید را از عسود را با یافتن خردی آغاز کرد که صرفاً شناسنده نبود، بلکه چیزها را به اختیار خود درمی‌آورد و می‌شناخت؛ یعنی شناختش با تصرف فرین بود. گویی آدمی دیگر جزئی از جهان و طبیعت نبود، بلکه خود را در مقابل طبیعت می‌دید و برای اینکه ذات خود را اثبات کند، می‌بایست بر آن غالب شود؛ چنانکه گویی انسانیت با اراده و قدرت و از طریق قهر طبیعت و جهان می‌بایست محقق شود. علم به طور کلی با حقیقت سرور و کار دارد؛ اما این بار حقیقت چندان با قدرت و اراده در هم آمیخته است که دیگر درباره نسبتش با حقیقت نمی‌دانیم چه بگوییم و اگر فیلسوفی مثل ویلیام جیمز آن را از غایتش از صلاح عملی می‌داند، سستش را نباید با تعریف رسمی حقیقت سنجید و مردود دانست، بلکه موقع و زمان و جهان او را باید درک کرد.

**جهان جدید، خرد جدید**
خسرد ایمن جهان است؛ خردی که در جهان قدیم به عملی و نظری تقسیم می‌شد، یکی نیست. این خرد را صرف یک قوهٔ فغسانی هم نباید دانست، بلکه خرد خاص جهان جدید است. این خرد را اگرچه متفکران رنسانس به‌خصوص امثال دکارت و اسپینوزا کشف و وصف کرده‌اند، مردمان آن را از فیلسوفان فرا نگرفته‌اند، بلکه آن را در جهان خود دریافت کرده و آن را فهمیده شده‌اند. اگر در فلسفه جدید عقل را نترساندانات (شبه‌متعالی) دانسته‌اند، برای این است که بگویند صفت نفسانی نیست، بلکه وجودی وراثی اشخاص و افراد آدمی دارد و عقل جهان است، نه اینکه همه آدمیان به تساوی تقسیم شده باشد، بلکه آدمیان حق دارند و می‌توانند یکسان از آن برخوردار شوند. اکنون از معتزله چیزی نمی‌گویم؛ اما دکارت وقتی گفت که «عقل به تساوی میان آدمیان تقسیم شده است»، مرادش عقل بالفعل نبود؛ زیرا چنان‌که خود او توضیح داده است، عقل در کاربدش را با روش خاص به کار بردنش، می‌شود. پس به نظر او همه استعداد ندارند؛ اما از سخشن نباید نتیجه گرفت که عقل به صورت بالفعل در همه جا به نحو یکسان وجود دارد. عقل جدید را همه مردم می‌توانند واجد شوند، به شرط اینکه در جهان جدید شریک شده باشند. اینکه بعضی صاحب‌نظران اروپایی گفته‌اند که جهان در حال توسعه با توسعه‌نیافته تجدد و اصول آن را درمی‌یابند، مقصودشان در اصل توهین و تحقیر نیست، بلکه بیشتر نظر به اختلاف جهان‌ها دارند و معتقدند کسی به جهانی تعلق دارد، فهمش فهم آن جهان است و چه بسا که با فهم جهان‌های دیگر بیگانه باشد و امور را به نحوی که آنها درمی‌یابند و می‌شناسند، درزیاند. آشنایی با عقل جدید و واجدشدنش مخصوصاً از آن جهت دشوار است که عقل، عقل محض یعنی صرفاً شناسنده نیست. کانتس با اینکه عقل را «عقل محض» خوانده، اما جلوهٔ آن در قوهٔ فاعلهه دیده و فاعله را هم صورت‌بخش و مفعول علم و نه شناسندهٔ محض دانسته است. عقل تجدد، عقل مشکلیاب و مسئله‌ساز و راهمائی تصرف و تغییر و سواست و ویران‌کردن است. عقلی که از **الافراطون** و **اسفوطون** و این **سیستان** و **توخامن اکوئینی** می‌شناختند، جهان را می‌شناخت و همراهی و هماهنگی با آن را می‌آموخت. عقل جدید با نباید با دم‌گرفتن تغییر «پراکسیس» مرکس (و نه پراکسیس اسرطو) بهتر بتوان درک کرد. عقل جدید عقل پراکسیس جزئی و معنی عقلی که می‌شناسد و تصرف می‌کند و با تصرف کردن و ساختن می‌شناسد. این عقل در قرون اولیهٔ رنسانس ظاهر شده و در قرن هجدهم قوام یافته و در طی قرون هجدهم و نوزدهم و بیستم به صورت علم و تکنولوژی و سیاست تحقق پیدا کرده و بالاخره در دهه‌های آخر قرن بیستم آثار کهورلت و نانوتای در آن ظاهر شده است. این عقل امر ثابّی نیست که یکباره به همه مردمان در همه زمان‌ها داده شده باشد.

من که دانشجوئی فلسفه‌ام و اندکی با تعلیم لیبسوفان قدیم و جدید آشنایی دارم، درصدد اثبات اصالت خرد دنیای متجدد نیستم و اگر از اهمیت آن می‌گویم، از آن روست که این خرد تقدیر جهان کنونی و وجود آدمی در قرون اخیر را رقم زده است. **ملاصدرا** نیازی به این خرد نداشت و بی‌بهرگی از آن، مایه نقص فلسفه‌اش نمی‌شود. اما دنیای جدید با این خرد شناخته شده است و ساخته و اداره می‌شود. ما به پراکسیس هم شبیه است؛ چون گاهی به کارسازی نیز می‌پردازد. ما معمولاً این عقل را با مطلق فهم و درک مترادف می‌گیریم و چه بسا که بعضی از اهل فلسفه نیز این عقل را مطلق عقل تلقی کنند.

چگونگی است که یک جلوه خرد می‌تواند جای صورت‌های دیگر خرد را ترک کند؟ خرد، ماهیت ثابت و یکپناخت ندارد. اینکه انسان را از عقل ناظم و عاقله خواهنداند، نادرست نیست؛ زیرا انسان با داشتن زبان، قوه درک و فهم و دیدن جزئی در کلی و کلی در جزئی و ... دارد. اما این قوه در هر تاریخی صورت‌ها و تمّین‌های خاص پیدا می‌کند. چیزی که موجب می‌شود تصویر مهم و ثابت از اهل خرد بدین‌هم و در نظرمان مسلم می‌سازد که عقل را مشترک معنوی بدانیم، وجود عقل مشترک و قدرت تفوق و غلبهٔ آن بر زبان و گفتار کار و کردار ماست. عقل مشترک مسئولیت‌ش است و البته شعاعش از عقل برای موقت را می‌شناسد و راهبرش سازش با روزگار و مهرنگ جماعت شدن است. این عقل خویشاوندی در با عقل عملی متقدم‌اند؛ زیرا حکم به باید و نباید هم کند (عارفان آن را عقل ناقص دانده‌اند). ما به پراکسیس هم شبیه است؛ چون گاهی به کارسازی نیز می‌پردازد. ما معمولاً این عقل را با مطلق فهم و درک مترادف می‌گیریم و چه بسا که بعضی از اهل فلسفه نیز این عقل را مطلق عقل تلقی کنند.

**ادامه دارد**

از بررسی آثار امام خمینی<sup>(ره)</sup> برمی‌آید که ایشان در باب اسلامی‌شدن علوم – علم از طبیعی و انسانی– دیدگاه خاصی داشتند که توجه به می‌تواند برای متولیان امور دانشگاهی کشور و فرهیختگان و استادان دانش‌پژوهان راهگشا باشد. در آغاز به صورت گذرا اشاره می‌کنیم که به نظر ایشان آنچه اسلام می‌خواهد، این است که «تمام علوم، چه علوم طبیعی و چه غیر طبیعی، به علوم الهی و توحید برگشتند؛ کنده یعنی هر چه را که می‌بینند، خواه طبیعت باشد یا ماده، خدا را در آن ببیند. اسلام برای آن آمده است که همه موجودات طبیعی را به علوم الهی برگرداند.» دیدگاه آن حکیم طبیعی را به علوم الهی برگرداند.» دیدگاه آن حکیم عارف در ذیل چند عنوان مطرح می‌شود.

**الف) علم کمالی است که همه طالب آنند**
به نظر امام خمینی<sup>(ره)</sup>، اهمیت و ارزش علم یک امر فطری و کمالی است که همه انسان‌ها طالب آنند. اسلام برای علم آنقدر اجر قائل است که شاید دیگر مسالک آنقدر قائل نباشند. در اسلام دانش بزرگترین چیز است؛ اما نه دانشی که ما را به باطل بکشد. خداوند علم را یک عبادت بزرگ قرار داده، چنان‌چه جهت داشته باشد. همچنین اسلام مردم را دعوت کرده است که هر جا علم را یابند، حتی اگر از کافر باشد، آن را بگیرند. البته این علم باید در خدمت اسلام باشد. به ذیل فطری‌بودن علم‌آموزی، همان‌گونه که در حدیث آمده است، علم‌آموزی از گهواره است تا قبر. اگر انسان در حال احتضار هم یک کلمه یاد بگیرد، بهتر از این است که جاهل باشد. البته همه باید تأمل با ایمان و تزکیه نفس و تقوا داشته‌ند زیرا که علم بدون تقوا، بسیاری از اوقات مضر است. بسیاری از اشخاص که در علم به مرتبه اعلا رسیده‌اند، ولیکن تربیت انسانی و اسلامی ندارند، ضرر آن‌ها از دیگران زیادت است؛ زیرا که در روایات آمده است که: **اذا فسد العالم فسد العالم**. (زمانی که عالم فاسد شد عالم فاسد می‌شود)

به نظر امام فرقی بین علم دانشگاهی و حوزوی نیست، هر دو در این جهت یکسان هستند. اگر علم آنها تأمل با تزکیه و تربیت انسانی و دینی باشد، منشأ خیرات و برکات و سعادت می‌شوند؛ ولی اگر علم بدون تقوا باشد، منشأ بسیاری از شقاوت‌هاست، زیرا «چسو دزدی با چراغ آید، گزیده‌ت برد کالا!» به تعبیر ایشان، «اگر روحانی علم داشته باشد، لکن ایمان نداشته باشد و مسیرش مسیر انبیا نباشد، منشأ مفاسد بسیاری می‌شود. اکثر این دین‌سازها که بوده است، از طبقه ملاها بوده‌اند... دانشگاهی که فقط دنبال علم باشد، برای سعادت ملتها یا فایده ندارد یا ضرر دارد.» حضرت امام در تمثیلی علم بدون تزکیه را چنین ترسیم می‌کند: «گاهی باران که رحمت الهی است، وقتی به گلها می‌خورد، بوی عطر بلند می‌شود؛ وقتی که به جاهای کثیف می‌خورد، بوی کثافت از آن بلند می‌شود. علم هم همین طور است. اگر در یک قلب تربیت‌شده وارد شود، عطرش عالم را می‌گیرد و اگر در یک قلب تربیت‌نشده یا فاسد بریزد، .... این فاسد می‌کند»

در تعبیر دیگر می‌فرمایند: «عالم اگر فاسد بشود، یک شهر را یک مملکت را به فساد می‌کشد، چه عالم دانشگاهی باشد و چه عالم فقیه، فرقی نمی‌کند.» از دیدگاه امام ویژگی‌های علم چنین است:
۱- علم کمالی از کمال است که فطرت انسان، طالبش است، حتی اگر در دست کافر باشد.
۲ - علم‌جویی در طول عمر دوام دارد.
۳- علمم بدون تقوا و ایمان و تزکیه نفس، مضر است و در این جهت فرقی بین علوم حوزوی و دانشگاهی وجود ندارد.

۴- علم تأمل با تزکیه و تقوا و ایمان، منشأ خیرات و برکات است.

**ب) هدف از تعلیم و تربیت و رسالت دانشگاه**

از نظر امام خمینی<sup>(ره)</sup> هدف از تعلیم و تربیت عبارتند از:

**۱- تربیت انسان الهی:** ایشان در عباراتی اعلام

**♦♦♦♦♦**
**آیا پدران علم جدید با افکار الحادی، صلاحیت تدوین علوم را داشته‌اند و آیا ما باید این افکار نادرست را علمی به شمار آوریم و نظریه‌های مخالف را غیر علمی بدانیم و دخالت ایدئولوژی در دین قلمداد کنیم؟ آیا این سبک پیروی، ییادآور آیات قرآن در نهی از تبعیت کورکورانه از پیشینیان نیست؟**

**♦♦♦♦♦**

می‌دارند: «آنچه ما از حوزه و دانشگاه می‌خواهیم، آن نیست که در سطح ظاهر مشاهده می‌کنیم. البته سطح ظاهر بسیار ارجمند است، ولی آن مقصود اسلام نیست. آنچه اسلام می‌خواهد، این است که تمام علوم – چه علوم طبیعی و چه غیر طبیعی – به علوم الهی و توحید برگشت کند؛ یعنی هر چه را که می‌بیند، خواه طبیعت باشد یا ماده، خدا را در آن ببیند. بنابراین اسلام برای آن آمده است که همه موجودات طبیعی را به الهیت و یا اینکه همه علوم طبیعی را به علوم الهی برگرداند.» قرآن می‌فرماید: **اقرا باسم ربک الذی خلق؛** یعنی قرائت کن نه قرائت مطلق، پیامور از آموزش مطلق، علم تحصیل کن نه علم مطلق، بلکه علم و آموزش جهت‌دار و جهت آن اسم رب است، و توجه به خداست. البته چنین انسانی باید برخوردار از تقوا و مکرم اخلاق باشدند و به تعبیر همه ابعاد علم و عمل و اخلاقتش باید نورانی و الهی باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که یکی از اهداف تعلیم و تربیت از نظر اسلام، توجه‌دادن به خدا و دعوت به توحید است.

**۲- انسان باید تزکیه کند و متصف به مکرم اخلاق شود:** پیامبر گرامی<sup>(ص)</sup> می‌فرماید: **«آئی بعثت لائم مکرم الاخلاق،** از این رو هدف از تعلیم آموزه‌های وحیانی،

**محوالگی گناهی**

**تقد و بررسی کتاب تهران**
شماره جدیدفصلنامه آموزش، اطلاع‌رسانی، تحلیلی «تقد و بررسی کتاب تهران»، به صاحب امتیازی و مدیریتمسئولی هرمز مهبائیزور منتشر شد. این شماره مطالب زیر در بخشهای مختلف به چاپ رسیده است:

میمون و نامیون، بازتاب/ شهر و شهرداری، رنگباران، پرویز دایمی، بازآزورن آیشیگور، برنده جایزه بین‌المللی نوبل در ۲۰۱۷ و کارهای او آشنا/ شویم/ اردشیر لطفعلیان/نوروش/وگلکاری/فریود/ فریدد جهر/کلام، آگاهی/ دانش/ علی مصوری، سخخور شخمگین/ میگان/ شهرام ابرپور سرپنجه/ جین نونزی/نویسنده/آرپی/آرپی/ پیشاز/فیروزه دیانت،تأسیس اولین مدرسه داند در ارومیه/... علیرضا دهقان،کتابخانه‌های وقفی و بیعت و چون استفاده از آن/ محمد فرحزاد، موجب تداعی معانی در کار تحقیق/ ایرج پاکزاد، عزیزی، شاعر نیست/ آس، نام تو شد پیرهنم، کوتاه مثل آب، اسروز... دیروز، تلکاب و انقلاب/ اکبر، روایت سنجایی، مقلوب و صدفیقی از مخالفت با فرادرم/

کسب مکرم اخلاق است. حضرت امام تربیت و تزکیه را بالاتر از تعلیم می‌داند: «بعد از تزکیه است که کتاب و حکمت در انسان اثر می‌کند، و الا علم بدون تزکیه هیهاتند حماری می‌ماند که بار او کتاب است. **مثل الفین خُلِّوا، التَّوَّاه ثُمَّ لم یصلوْها کمثل الحمار یحمل أسفارا**» حمار به هیچ وجه از آن کتاب‌ها استفاده نمی‌کند. خواه آن کتاب‌ها کتاب توحید یا کتاب فقه یا انسان‌شناسی یا علوم طبیعی باشد.» بنابراین همواره باید این نکته را مد نظر داشته باشیم که هدف از تعلیم و آموزش و تربیت – چه درحوزه و چه در دانشگاه – تزکیه نفس و کسب فضایل اخلاقی است.

**۳- قطع وابستگی و استقلال کشور:** به نظر امام خمینی

اگر حوزوی و دانشگاهی‌ها ما به گونه‌ای که اسلام می‌خواهد تربیت شوند، کشور از وابستگی به اجانب و استعمار مصون می‌ماند، یعنی در دانش و تربیت خودکفا می‌شوند و از تقلید اجانب دوری می‌گیرند.» «دانشگاه‌ها برون‌دین این که جوان‌های ما را مستقل به باز یابورند،

## علوم طبیعی و انسانی – اسلامی

## از دیدگاه امام



تربیت کنند که بفهمند یک فرهنگ بزرگ دارند. بفهمند فرهنگ از اینجا صادر شده است به خارج. بفهمند که ما هم یک چیزی در عالم هستیم و خودمان می‌خواهیم خودمان را اداره کنیم.» او در عبارتی دیگر می‌فرماید: «ما در دانشگاهی می‌خواهیم که ما را از وابستگی‌ها بیرون بیاورد، ما را مستقل کند.»
۴. تأمین سعادت ملتها: به نظر امام<sup>(ره)</sup>، دانشگاه مبدأ همه تحولات است. اگر در دانشگاه‌ها، تربیت و آموزش صحیح داده نشود، سعادت یک ملت را تأمین نمی‌کند و الا شقاوت آن را رقم می‌زند: «اسلام بر دانش و دانشگاهیانی که چراغ راه هدایت و راهمائی ملت به سوی تعالی و سعادت و فضل و فضیلت می‌باشند.»<sup>۱</sup> «دانشگاه و حوزه‌های علمیه و روحانیون می‌توانند در مرکز باشند برای تمام تربیات و تمام پیشرفت‌های کشور و می‌توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات!» بنابراین دانشگاه اگر دانشگاه اسلامی باشد، سعادت ملت تأمین است.

**توضیح**
همه می‌دانیم که علوم مخصوصاً علوم انسانی غربی و نتیجه چنین خاستگاهی، چیزی جز الحاد و بی‌دینی نخواهد. در مدافعان علوم انسانی اسلامی حداقل می‌خواهند لاهان دانشجویان را روشن سازند که چنین نظریاتی بر مبانی نادرستی نباشند و حتی امکان، به تعبیر حضرت امام، علوم طبیعی و غیرطبیعی را به توحید برگردانند. اکنون برای روشنی بیشتر از طرز تفکر و نظریات و پدیدارولان و پدران علوم انسانی جدید که تأثیر زیادی در نظریه‌پردازی‌های علمی داشته‌اند، برخی از نظراتشان را تقدیم می‌داریم. تا خوانندگان خود دآوری نمایند که آیا این نظریات، علمی و نظریه مخالف علم و غیر علمی خواهند بود؟

۱. **دیویدهیوم** (۱۷۱۱-۱۷۹۶) که تأثیر زیادی بر جریان تجربه‌گرایی علمی داشته است و می‌توان او را پدر تجربه‌گرایی جدید نامید، به روشنی می‌گوید: «اگر کتابی درباره الهیات یا مابعدالطبیعه مدرسی در دست بگیرم، می‌پرسم آیا در آن هیچ استدلال انتزاعی درباره

به ترجمه فارسی «الثابت والمتحول»/ بندهوشنای، «تقد و بررسی کتاب تهران»، به صاحب امتیازی و مدیریتمسئولی هرمز مهبائیزور منتشر شد. این شماره مطالب زیر در بخشهای مختلف به چاپ رسیده است:

دکتر مصدق/ محمدعلی مهبایون کانونیان، رهبران چین در ۵ سال آینده، به هر کجا که روی کاغذ آسمان به همین رنگ است، شروع پلدر دانشگاه/ویکتوریا یادآور، پلدر بستک، اولین شهردار بستک/ سیدحسین، به یاد مسعود هدایت/ سیدحسین امینی، چه زود گذشت، به یاد جمشید ارجمند، ویکتوریا افشار، چرا نمیرد آن که دلش زنده شد/ سید بهمن، هنوز می‌آورد (آه، نام تو شد پیرهنم، کوتاه مثل آب، اسروز... دیروز، تلکاب و انقلاب/ اکبر، روایت سنجایی، مقلوب و صدفیقی از مخالفت با فرادرم/

کمیت یا عدد هست؟ آیا استقلال تجربی درباره واقعیات و موجودات در آن هست؟ اگر پاسخ منفی است، پس آن را آتش افکندید چون چیزی جز فسفده در این کتاب وجود ندارد!»<sup>۱۲</sup>
پیداست که براساس این تعبیر، هیوم به امور ماورای طبیعی (از جمله خدا، عالم غیب و ...) اعتقادی ندارد. او به صراحت اظهار می‌دارد که: «همه معرفت ما از تجربه حاصل و به تجربه ختم می‌شود...» حال پرسشش این است که: آیا این نظریه واقعاً علمی است و نظریه مخالفش غیر علمی است؟ آیا مخالفت مستدل با این نظریه، مخالفت با علوم جدید است؟

۲- **کارل پیرسون** (۱۸۵۷-۱۹۳۳) استاد دانشگاه لندن

که تأثیر زیادی در تبیین‌های طبیعت‌گرایانه علمی دارد،

می‌گوید: «روش علمی، تنها طریق و مدخل واقعی به کل قلمرو معرفت است.»<sup>۱۳</sup> بر اساس این دیدگاه،

روش تجربی و مکانیکی علمی، تنها طریق کشف حقایق عالم است و آموری که از طریق روش علمی

## دکتر محمد محمدرضایی – استاد فلسفه دین دانشگاه تهران



نتوان درباره‌شان دآوری نمود، از قلمرو معرفت انسانی بیرونند. درنتیجه مابعدالطبیعه و دین خارج از معرفت بشری قرار می‌گیرد.
۳- **اگوست کنت** (۱۷۹۸-۱۸۵۷) فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی که معمولاً او را بنیانگذار جامعه‌شناسی جدید و فلسفه پوزیتیویسم می‌دانند، آن است که روش پوزیتیویستی و تجربی، برترین روش و آخرین مرحله تکامل و تحول ذهن انسانی است. او دوران تفکر بشر را سه مرحله می‌داند: مرحله ربانی، مرحله فلسفی و مرحله تجربی. بر این اساس، دوران به مرحله ربانی و فلسفی به سرآمده است و ادیان موجود، محصول مرحله خاصی از تحول ذهن آدمی هستند که اکنون زمانشان گذشته است. ذهن علمی و اندیشه اثباتی (تجربی) دیگر نمی‌تواند به الوهیت و

معتقدات ماورای طبیعی باور داشته باشد!»<sup>۱۴</sup>
۴- **امیل دورکیم** (۱۸۵۸-۱۹۱۷) جامعه‌شناس مشهور معتقد است: «قوانین و اخلاقیات، کار و تفریح، علم و فرهنگ و همه مهمتر دین، زاده اجتماع است. همچنین منشأ همه ادیان بزرگ و کوچک توت‌م، پرستی است و پرشتن توت‌م، نمادی از پرشتن جامعه است. بنابراین آنچه در همه ادیان مورد پرشتن قرار می‌گیرد و نیروها و ویژگی فراطبیعی به آن نسبت شده می‌شود، چیزی جز جامعه نیست؛ اما مردم تصور می‌کنند که موجودی الوهی را می‌پرستند که در فراسوی جهان قرار دارد و می‌تواند به خواسته‌های آنان پاسخ و مشکلات آنان را حل کند.»<sup>۱۵</sup> یعنی خدا همان جامعه است که متدینان به اشتباه او را موجود ماورای طبیعی قلمداد می‌نمایند!
۵- **کارل مارکس** (۱۸۱۸-۱۸۸۳) اقتصاددان و جامعه‌شناس بزرگ آلمانی که در تحولات فکری و اجتماعی سیاسی قرن بیستم بسیار تأثیر داشته است، معتقد است، انسان سازنده دین است نه دین سازنده انسان؛ دین ایفون مردم است؛ من از همه خدایان بیزارم.»<sup>۱۶</sup>
۶- **عزیزگوندفریود** (۱۸۵۶-۱۹۳۹) عصب‌شناس ارتزشی که پدر علم روانکوی شناخته می‌شود، معتقد

استت دین و خدا جلوهٔ غریزه سرکوب‌شدهٔ جنسی است و نیز تصور خدا نتیجهٔ فکرنی تصور پدر درون خود انسانان است؛ اما این تصور، خرافه و افسانه‌ای بیش نیست و آسمان تهی است»<sup>۱۷</sup>

**تربید در صلاحیت پدران علم جدید**
حال سؤال این است که این پدران علم جدید با چنین افکاری، آیا صلاحیت تدوین علوم جدید را داشته‌ند؟ آیا باید این افکار نادرست و غیر علمی را با تبلیغات نظریات علمی، به شمار آوریم و نظریه‌های مخالف این تئوری‌ها را غیر علمی و دخالت ایدئولوژی در دین قلمداد کنیم و ذهن و روان دانشجویان را آکنده از این نظریات به اصطلاح علمی نموده، هر گونه مخالفت با آنها را دخالت دین در عرصه علم تلقی نمایم؟ آیا پیروی از این پدران علوم انسانی جدید که ملحد و تجزیه‌گرا، و مادی‌گرا هستند، یادآور این آیات نیست: **«وإذا قیل لهم ابتئوا ما أنزل الله قالوا لی نبتِّع ما یحلفنا الله وایمانا و لو کان أبأیهم لا یعقلون شیئا و لا یمنون»**،<sup>۱۸</sup> چون به کفار بگویند: از آنکه ما را پیروی کنید، می‌گویند: ما به سیروی گویند ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا اگرچه پدرانشان بی‌عقل و نادان خود و به حق و راستی را نیافته باشند؟

**«و اذ قیل لهم ابتئوا ما أنزل الله قالوا لی نبتِّع ما یحلفنا الله وایمانا و لو کان أبأیهم لا یعقلون شیئا و لا یمنون»**،<sup>۱۹</sup> چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید» می‌گویند: «بلکه از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر این یافتیم» آیا حتی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند آواز هم تبعیت می‌کنند؟<sup>۲۰</sup>

هنگامی که پیامبر گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> برخی از مردم را به آیین عفاثی و درسد دعوت می‌نمود، می‌گفتند: **«ما از آیین و برنامه‌های پدرانمان پیروی می‌کنیم و قرآن می‌فرماید: آیا تبعیت کورکورانه از پدرانی که خود بر راه صحیح نبودند، امر درستی است؟ به نظر می‌رسد که پدران علم جدید که بر اساس روش شریعت تجربه‌گرایانه اصول وحیانی و ماورای طبیعی را تبیین و تفسیر کرده‌اند، بر روش صحیح و درستی حرکت نهموده‌اند.**

علوم انسانی اسلامی بدین معناست که با چشمانی باز و عقلانیت لازم، روش و آیین پدران علم جدید را مورد نقادی قرار دهیم و با دلیل و برهان معلوم سازیم که آنان بر راه و روش صحیحی حرکت نکرده‌اند. در مقابل آنها تفسیرها و نظریه‌پردازی‌های درستی به عمل آوریم. آیا با این نظریات الحادی و تجربی‌گرایانه و مادی‌گرایانه می‌توان دیدگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup> را که اعتقاد داشت رسالت همه انبیا این بوده که همه علوم را به توحید برگردانند، محقق نمود و با استقلال فرهنگی کشور را برآورده ساخت؟

براساس همین نظریات نادرست پدران علوم انسانی جدید است که ای آینه‌الاعتمای می‌فرماید: علوم انسانی جدید نه تنها مفید نیست، بلکه مضر به حال دانشجویان می‌باشد؛ بنابراین از مسئولین محترم و دخیل در امور دانشگاهی و سیاسی می‌خواهم که جریان علوم انسانی اسلامی را تقویت نمایند و بیش از ایسن نگذاریم که در محافل علمی بر اثر تبلیغات نادرست، افکار نامحیح و غیر علمی به عنوان نظریات علمی مطرح گردد.

**منابع:**

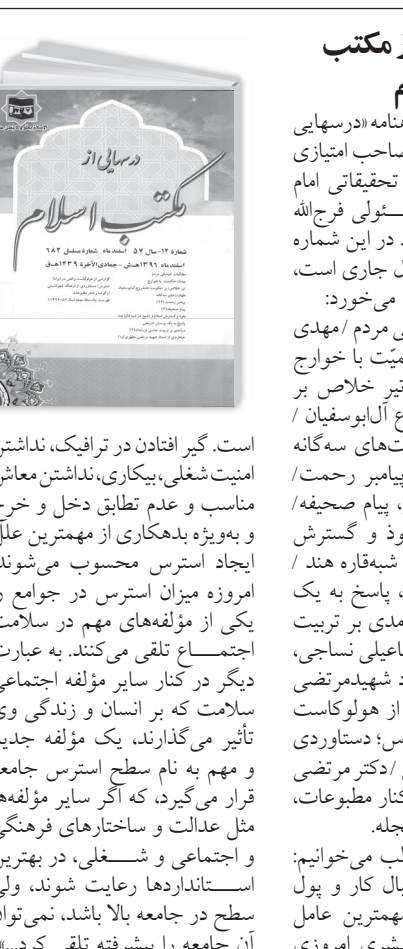
۱. صفحه اسلام، ج ۱۶، ص: ۲۹۷، ج ۱۷، ص: ۱۸۶، ج ۱۴،

**♦♦♦♦♦**
**امامخمینی<sup>(ره)</sup>: آنچه ما از حوزه و دانشگاه می‌خواهیم، یعنی نیست که در سطح ظاهر مشاهده کنیم؛ بلکه توسعه اسلام می‌خواهد، این است که تمام علوم به توحید برگردد. اسلام برای این آمده است که همه موجودات طبیعی را به الهیت و همه علوم طبیعی را به علوم**

**الهی برگرداند**

**♦♦♦♦♦**

۱. ص: ۳۶، ج ۸، ص: ۳۰۳، ج ۷، ص: ۲۶۷.
۲. ص: ۱۴، ج ۱۴، ص: ۳۱۴.
۳. همان، ج ۱۴، ص: ۲۱۹.
۴. زک. همان، ج ۸، ص: ۳۲۵.
۵. ص: ۲۹۹، ج ۱۲، ص: ۲۹۹.
۶. همان، ج ۱۲، ص: ۶۵.
۷. ص: ۶۵، ج ۱۲، ص: ۶۵.
۸. ص: ۱۳، ج ۱۳، ص: ۳۳۵.
۹. ص: ۵۸، ج ۱۱، ص: ۳۹۲.
۱۰. همان، ج ۱۴، ص: ۳۵۰.
۱۱. همان، ج ۱۴، ص: ۳۵۰.
۱۲. همان، ج ۷، ص: ۲۷۰.
۱۳. همان، ج ۱۳، ص: ۴۱۳.
۱۴. Hume.An Enquiry Concerning human understanding,p.165
۱۵. محمدرضایی، محمد، الهیات فلسفی، ص: ۲۳.
۱۶. Louis.p.pojman,Philosophy of Religion,p.۳۳.
۱۷. محمودی،ابوالفضل، خاستگاه دین در کتاب محمدرضایی، ص: ۲۰۱.
۱۸. اردن، ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ص: ۳۸۱.
۱۹. محمودی،ابوالفضل، خاستگاه دین، در کتاب محمدرضایی، محمد و دیگران جستارهایی در کلام جدید... ص: ۱۸۷.
۲۰. توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ص: ۲۲، ص: ۱۸۷.
۲۱. بقره، ۱۷۰.



آن جامعه را پیشرفت تلقی کرد.»

شششنبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۶ – ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ – ۶ مارس ۲۰۱۸ – سال نود و دوم – شماره ۲۶۹۵۷

## حافظ و شاعران فرانسه

**سمیرا امینی‌فر**
**بخش دوم**

**تربستان کلینگسور و حافظ**
شاعر دیگر فرانسوی که در اشعارش از حافظ الهام پذیرفته، **تربستان کلینگسور** است که نام اصلی‌اش **لئون لوکر** (Leon Leclere) بود. او که از کارگاه نقاشی به شعر و شاعری روی آورده بود، مجموعه‌ای به نام **شهرساز** (Scherazadar) سرود و در آن چهره‌ای رنگین و نگارین از حافظ رسم کرده، او حافظ را «استاد» خود و خود را «شاگرد بد» حافظ نامید؛ شاگردی که با جغرافیای آسیا آشنا نیست و گاه کشورهای گوناگون مانند چین، ژاپن، هند و ایران را به جای یکدیگر می‌گوید او آرزو داشت که از شیراز، سرزمین گلها و ایران، خاستگاه هزروبیک‌ش، دیدن کند: «... دلم می‌خواستس بر زورقی می‌نشستم و بدایان می‌فراشتم.../ آنگاه به آوای پرخروش دریا گوش می‌سپردم... و به سوی جزیره‌های گل روان می‌شدم... شهرهای ایران را می‌دیدم.»

اشعار اگر هم در عالم واقع از دیدار شیراز و حافظ محروم است، ولی سوار بر بهایای خیال، از شهر عشق و گلها و حافظ دیدن می‌کند: «ای حافظ عزیز، تو را پیوسته در عالم خیال می‌بینم که جامه‌ای آراسته به ابریشم بر تن و دستاری سبز بر سر داری و سرگرم نوشتن اشعار خوششتی، تو را می‌بینم که با شلوار گشاد شرقی، چهارزانو نشسته‌ای و بر بزرگوارانه مانند پادشاهی، دستت بر موی سپید خود می‌کشی و لبخند می‌زنی.»

**ماتیو دو نوآی و حافظ**
در اوایل سدهٔ بیستم دیگر نام و آوازهٔ شیراز برای فرانسویان نامی آشنا بود و به واسطهٔ دو شاعر نام‌آورش، سعدی و حافظ، جایگاهی خاص در میان شاعران فرانسوی پیدا کرده بود. از این دسته، شاعرهٔ ایران‌شناس فرانسوی، کنسس ماتیو دونوآی (contesse de Noailles) وفات: (۱۹۳۳) با عشق حافظ و سعدی می‌زیست و آرزو داشت که پس از مرگ، برای زندگی دوباره در سرزمین حافظ و سعدی چشم به جهان گشاید؛ زیرا در آنجا به «یاع دلگشا» راه خواهد یافت و با حافظ و سعدی دانشگاه خواهد شد و آنان در او استایشر گلها را دوست خواهند داشت و او را به گلستان پر گل و ریحان خود راه خواهند داد. با این حال برای این شاعرهٔ زیبای فرانسوی، حافظ عالم دیگری داشت.

او در غزلی به نام «سایهٔ ایام» چنین سرود: «کاش می‌توانستم در فصل گل به شیراز بروم و حافظ شیراز را ببینم که گاهی در اندیشه و گاه موفر و زمانی آتین‌شو و وقتی صوفی‌منشانه، به سوی کشتزاران پر موج و سرسبز می‌رود، تا سرمست از بافهٔ عشق، در آنجا دراز بکشد. کاش می‌توانستم آرام‌آرام در پی‌اش بروم و او را در آن لحظات شوق و بی‌خبری ببینم که از فرط صفا، وقتی که مجبوره انگشت بر در خنده‌اش می‌زد و حافظ می‌پرسید: «تو کیستی که در می‌زنی؟» مجبوه پاسخ می‌داد: «تو هستی عزیز من»

این شاعره که مادر بزرگی ایرانی داشت، اگرچه هرگز موفق به دیدار شیرساز و آرامگاه حافظ و سعدی نگشت، ولی در باغ منزلهش عمارتی شبیه آرامگاه حافظ ساخته بود و در آنجا خلوت می‌کرد. پس از مرگ نیز به وصیتش در آنجا دفن گردید.

**پرنس پیسکو و حافظ**
شاعرهٔ دیگر فرانسوی پرنس پیسکو بود که با اصفهان و کنار زاینده‌رود، در سایهٔ سروی می‌آرمید و به زمزمهٔ آب گوش می‌سپرد و آنگاه نوای دلنشین حافظ را به گوش جان می‌شنید که با وی چنین می‌گفت:

ساقی به نور باده رفروز جام ما

مبارک بگو که کار جهان شد به کام ما

او نیز در آثارش از حافظ تأثیر پذیرفت و در ضمن آنها اشاراتی به اشعار لسان‌الغیب آورده است.

**آندره دید**
اما از مش







































گفت‌واری بین‌المللی چپان

**دست خالی صهیونیست‌ها در تور دیرک حزب‌الله لبنان**  
فارس: یک ویگه صهیونیستی اذعان کرد که دستگاہ‌های اطلاعاتی و امنیتی این رژیم برای ترور دیرکل حزب‌الله، بسیج شده‌اند اما تا کنون موفق نشده‌اند هیچ سرخنی درباره اماكن رفت و آمد یا مخفیگاه‌های سید حسن نصرالله پیدا کنند و همچنین دستشان خالی است.ویگه صهیونیستی واللا» با انتشار گزارشی مدعی شد دستگاہ‌های اطلاعاتی و امنیتی این رژیم، این بار در تلاش برای ترور سید حسن نصرالله جدی هستند.در این راستا «عمیر پرتز» وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی از دستگاہ‌های امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل خواسته است پرونده ویژه نصرالله و مکان‌های تحرک و مخفیگاه‌های وی را در اختیارش قرار دهند تا امکان ترور وی بررسی شود اما موضوع غافلگیرانه این است که پرتز به هیچ پرونده خاصی ویژه نصرالله دست پیدا نکرده است.در ادامه این گزارش آمده است: این بیان معناتس که دستگاہ‌های امنیتی نتوانسته‌اند نقشه‌هایی درباره اماکنی که نصرالله در آن اقامت می‌کند، پیدا کنند.

**اعتراض ایران ششاشن ژاپنی به استفاده از نام مجعول**  
به جای «خلیج فارس»  
اینا: اقدام موزه ملی توکیو در استفاده از نام مجعول خلیج عربی به جای خلیج فارس، با واکنش ایران شناسان ژاپنی و مهنوطن ایرانی مقیم توکیو مواجه شد.موزه ملی توکیو با برپایی نمایشگاه ویژه عربستان سعودی، نقشه‌هایی را در معرض بازدید قرار داده که در آن نام جعلی خلیج عربی به جای «خلیج فارس» درج شده است.ایرانیان مقیم توکیو به نشانه اعتراض به این اقدام در حال تهیه نامه به مسئولان موزه ملی توکیو هستند. همزمان ایران شناسان ژاپنی هم که به حقیقت تاریخی نام «خلیج فارس» بر این آبراه راهبردی آگاه هستند به این اقدام موزه ملی توکیو اعتراض کرده اند.

**حذف نام رهبر نهضت اسلامی تاجیکستان از فهرست**

**تحت تعقیب ایتربل**  
فارس: اسمم رهبر حزب نهضت اسلامی تاجیکستان از فهرست افراد تحت تعقیب در ساسایت ایتربیل (پالیس بین الملل) حذف شد. «مچی الدین کبیری» رهبر حزب نهضت اسلامی تاجیکستان تایید کرد که نام وی از فهرست افراد تحت تعقیب پالیس بین‌الملل حذف شده است. کبیری گفت: حذف نام من از فهرست ایتربیل این اجازه را خواهد داد که تلاش بیشتری برای به دست آوردن حقوق حزب نهضت اسلامی انجام دهم. فعالیت حزب نهضت اسلامی تاجیکستان در سال ۲۰۱۵ پس از آن منوع شد که کبیری به دست دادش در کودتای تازم ژنرال «عبدالعظیم نظرداد» معاون سابق وزیر دفاع تاجیکستان علیه حکومت این کشور متهم شد.

**ناوهوپیمبار آمریکا پس از ۳۳سال در سواحل ویتنام پهلو گرفت**  
فارس: ناو هواپیمابر «کارل وینسون» آمریکا برای اولین بار پس از پایان جنگ ویتنام در ۲۳ سال قبل، در سواحل ویتنام پهلو گرفت. فرمانروای ویتنام، این اقدام آمریکا به طور چشمگیری تقویت روابط استراتژیک میان این دو دشمن سابق را همزمان با افزایش نفوذ منطقه‌ای چین، نشان می‌دهد. این ناو حامل ۵۰۰۰ ملوان و هوانورد است که با هدف افزایش دوستی میان آمریکا و ویتنام به مدت چهار روز در ساحل این کشور مستقر می‌شود.

**جامعکساز اهربرد نظامی آمریکا در مسیر نابودی جهان است**  
فارس: تحلیلگر و زانسانس بزرگ آمریکایی در سخنانی دولت آمریکا را به اتخاذ رویکرد نظامی گری برای نابودی جهان ونگ یادداشت‌به تغییرات اقلیمی متهم کرد. «نوام چامسکی» گفت که راهبرد نظامی آمریکا در زمان دونالد ترامپ در مسیر نابود ساختن جهان است.چامسکی گفت: وجود ترامپ، راهبرد نظامی آمریکا درحال تضعیف کل جهان است. او می‌گوید: «اگر شما بیشتر از دست دادن تمامی قدرت‌ها در عرصه‌های بین المللی است که بیشتر آنها را در اختیار داشت.

**تظاهرات اعتراضی مردم قرقیزستان علیه دستگاه قضایی**  
فارس: تظاهرات اعتراضی با حضور نمایندگان سازمان‌های حقوق بشر، وکلای و فعالان اجتماعی علیه فعالیت سیستم قضایی و زیر و بم‌های ارتقاوی قرقیزستان در «بیشکک» پایتخت برگزار شد. معترضان با اشاره به عدم اعتماد مردم به دادستان کشور اعلام کردند: تا زمانی که دادستان قرقیزستان در برابر قوانین کشور پوشی نکند فساد پاپیرجا خواهد بود. آنها شعار می‌دادند که دادستان کل قرقیزستان باید استعفا دهد.

**«میرضایف» حضور مقامات ازبکستان در مجالس عروسی**

فارس: «شوکت میرضایف»، رئیس کمهوزی ازبکستان حضور مقامات دولتی در مجالس عروسی و منوع و در نشست خبری تأکید کرد: این منوع برای نخست وزیر، استانداران و دیگر نمایندگان دولتی لازم الاجرا است. وی ادامه داد: مجالس عروسی در این کشور باید از ساعت ۱۲ تا ظهر برگزار شود و تعداد مهمانان نیز نباید از ۱۲۰ نفر فراتر برود. میرضایف اظهار داشت: اگر خودروهای دولتی در مقابل رستوران‌ها دیده شوند مقامات مقصر را برکنار می‌کنیم و بحدت پیگرد تفریغ رار خواهند گرفت.

**اسلام آباد: آمریکا نام پاکستان را در فهرست حامیان مالی**

ایرنا: سخنگوی وزارت خارجه پاکستان اعلام کرد: واشنگتن با هدف تشدید فشار بر اسلام آباد، نام پاکستان را در فهرست حامیان مالی تروریسم قرار داد. «محمد فیصل» آمریکا را مقصر قرار گرفتن این کشور در فهرست حامیان مالی تروریسم دانست وگفت: هدف واقعی واشنگتن در قبال این مساله سیاسی است و ایالات متحده برای جلوگیری از پیشرفت اقتصادی پاکستان این اقدام را انجام داد.

**بازداشت ۳ عضو دولتی افغانستان به اتهام ارتباط با**  
دولت: «آ.اس.اف»  
ایسنا: رئیس پیشین امنیت ملی افغانستان از بازداشت سه عضو دولت وحدت ملی این کشور به دلیل ارتباط با سسازمان اطلاعات پاکستان (آی.اس.ای)، خبر داد. «رحمت الله نبیل» گفت :این افراد که از اعضای ارشد دولت افغانستان هستند به دلیل همکاری و روابط نزدیک و مخفیانه با سازمان اطلاعات پاکستان به زودی از مسئولیت خود اخراج یا بر کنار می‌شوند.

**امضای چند توافقنامه همکاری میان مصر و عربستان در**  
«سفر «بن سلمان» به قاهره  
ایسنا: چند توافقنامه همکاری و یادداشت تفاهم در سفر «محمد بن سلمان»، ولیعهد عربستان به مصر در زمینه سرمایه گذاری میان دو کشور امضا شد. به گزارش منابع خبری، این توافقنامه‌ها با حضور «محمد بن سلمان» و ولیعهد سعودی و «عبدالقحاح البسبی» رئیس جمهوری مصر در قاهره به امضا رسید. امضای توافق همکاری در زمینه حفظ محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آن و ایجاد صندوق سرمایه گذاری میان مصر و عربستان از جمله این توافقنامه‌ها بود. این دیدار توافقاتی از مشترک میان سازمان سرمایه گذاری عمومی و مناطق آزاد مصر و سازمان سرمایه گذاری عمومی عربستان نیز امضا شد. قاهره همچنین در سفر ولیعهد عربستان به مصر، ۱۰۰ هزار هکتار از جنوب شبه جزیره «اسینا» را به ایجاد ابرشهر مشترک «نیوم» با سعودی‌ها و اردن اختصاص داد.

**راستگرایان حامی برلوسکنی، پیروز انتخابات پارلمانی ایتالیا شدند**  
سرویس خارجی: نتیجه انتخابات پارلمانی ایتالیا حاکی از آن است که راستگرایان حامی پیلوسکی برلوسکنی نخست وزیر سابق موفق شدند در انتخابات قدرتمند ظاهر و پیروز میدان شوند. این در حالی است که هیچ یک از احزاب و ائتلاف‌های سیاسی موفق به کسب اکثریت قاطع نشدند.

حزب موسوم به «۵ ستاره» که دارای گرایش‌های پروپولیسی است در انتخابات پارلمانی ایتالیا توانست بیشترین میزان کرسی‌های پارلمانی را در اختیار بگیرد.نتایج حاکی از آن است که جنبش پش سرانه بیش از ۲۲ درصد آرا را به دست آورده است. با توجه به این نتیجه راه تشکیل دولت در ایتالیا گره نا نامکمن، اما به سبب دشوار شده است. لوئیجی دی مایو، نامزد احزاب جنبش پش ستاره، لیل در انتخابات پیروزی پشینی کرد که در انتخابات به هرح و هر سیای در ایتالیا دامن برند. «سروین مودرومات» به رهبری «ماتئو ریزل» نخست‌وزیر پیشین ایتالیا، بازنده اصلی انتخابات

صاحب امتیاز: شرکت ارت انرجاپ (مؤسسه اطلاعات

مدیر مسئول: سیدمحمدوعالی

سر دبیر: علیرضا خانی

نشانی: تهران- بلوار مرادیه- خیابان نفت جنوبی- ساختمان

اطلاعات - کد پستی ۱۵۲۹۴۳۱۱ (تهران)

پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲

تلفن: ۲۹۹۹۹۹

نماینر آگهی‌ها ۲۱ و ۱۹۷۲۲۵۸۰

تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸ و ۱۲۲۲۵۸۰

نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com

پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

# اطلاعات

سال نود ودوم

تقریب اطلاعات

سه‌شنبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۶

۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ - ۶ مارس ۲۰۱۸

ظهور شرعی ۱۲ و ۱۶ دقیقه

غروب آفتاب ۱۸ و ۴ دقیقه

اذان مغرب ۱۸ و ۲۲ دقیقه

نیمه شب شرعی (پایان وقت اداي نماز) ۲۳ و ۳۴ دقیقه

اذان صبح (فردا) ۵ و ۴ دقیقه

طلوع آفتاب (فردا) ۶ و ۲۷ دقیقه

## هزاران آمریکایی همزمان با نشست «آپیک»، تظاهرات حمایت از فلسطین برگزار کردند

خبرگزاری فرانسه گزارش داد، پرونده اختلاسی که تحقیقات درباره آن در حال انجام است ممکن است پای نتایج‌ها را هم وسط بکشد، این در حالی است که پلیس جزئیات بازجویی‌ها را منتشر نکرده است. گفته می‌شود تحقیقات از این دو فرد نزدیک به نتایج‌ها درباره این مساله بوده که آیا نتایج‌ها و همسرش از سایت خبری «واللا» که متعلق به آلوج بوده، درخواست کرده بودند که در ازای دریافت تسهیلات دولتی به پوشش اخبار مثبت درباره آنها بپردازد یا نه.

در رویدادی دیگر وزیر جنگ رژیم صهیونیستی از علم واکنش احزاب مذهبی یهودی نسبت به آویخته‌شدن غروبکسریاز اسرائیلی از ساخمانی در قدس غربی به شدت انتقاد کرد. روز پس از آنکه پلیس رژیم صهیونیستی غروبکسری به شکل جسد یک سریاز اسرائیلی دار آویخته‌شده از بالای ساختمانی در محله "مئ شساریم" متعلق به یهودیان تندسرو در قدس غربی را پاپیس‌ن آورد، آویگدور لیبرمن، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی به شدت از موضعگیری احزاب مذهبی یهودی انتقاد کرد. وی یکی از سهاشدان کمپانی بزرگ مختاراسی "بیزک" به مدت ۱۴ روز تحت بازداشت خانگی خود قس قرار

**مسئول شبکه اطلاع رسانی داعش توسط نیروهای عراقی بازداشت شد**

سرویس خارجی: برخی منابع نظامی در ارتش عراق از بازداشت مسئول خبرگزاری «فماق»، شبکه اطلاع رسانی گروه تروریستی داعش خبر دادند. «عبدالعزیز المصعیدی»، مسئول اطلاعات ارتش عراق اعلام کرد: ارتش این کشورشود شد که «عثمان خالد الامین»، مسئول این رسانه داعش را در شهر موصل دستگیر کرد. به گفته «المصعیدی»، این عضو داعش در روستای در حومه موصل دستگیر شد و او بلافاصله بعد از دستگیری اطلاعاتی را درباره بعضی از همدانشان در اختیار ارتش گذاشته که به دستگیری شش نفر دیگر در همان روستا منجر شده است.نیروهای امنیتی عراق همچنین از دستگیری شخصی که قاضی داعشی نامیده می‌شد در «سارمراه» خبر دادند.در چنین شرایطی، «قاسم مصلح»، فرمانده الحشد الشعی در محور غرب الانبار از پاکسازی بیش از ۲۰۰ کیلومتر از صحرای غربی این استان در سومین روز عملیات پاکسازی این منطقه خبر داد.

در همین حال، پس از اصرار مقامات آمریکا مبنی بر ادامه سفرشده عراق به رغم مخالفت یکدیگر با مواشک‌های بلندار و زیردریای‌های کوچک ساخت و آن را با موقعیت آزمایش کرد. بر اساس گزارش‌های عراقی‌ها، فرمانده نیروی هوایی انگلیس در سخنانی تأکید کرد: با وجود پایان نظامی داعش، اما مخالف خروج نظامیان کشورش از عراق است. از طرفی، «جعفر الحسینی» سخنگوی مقاومت اسلامی

سرویس خارجی: روسیه باز هم از فناوری نوین نظامی رونمایی کرد و این بار موتور هسته‌ای برای مواشک‌های بلندار و زیردریای‌های کوچک ساخت و آن را با موقعیت آزمایش کرد. بر اساس گزارش‌های عراقی‌ها، فرمانده نیروی هوایی انگلیس در سخنانی تأکید کرد: با وجود پایان نظامی داعش، اما مخالف خروج نظامیان کشورش از عراق است. از طرفی، «جعفر الحسینی» سخنگوی مقاومت اسلامی

**نیویورک تایمز: ترامپ با دمو کراسی مشکل اساسی دارد**

سرویس خارجی: روزنامه نیویورک تایمز ضمن انتقاد از رئیس جمهوری آمریکا به دلیل تحسین مواضعت‌های جنی خودبرای مقام‌المعمرکرد ریاست جمهوری، اعلام کرد: ترامپ با دموکراسی مشکل بسیار اساسی دارد. این نشریه درمقاله ای با تأکید بر این که اظهارات رئیس جمهوری آمریکا بیانگر چشمانداز کلی او از جهان است، نوشت: ویژگی‌های شخصیتی ترامپ، وی را وارده به تحسین چنین نمونه‌ای از استبداد می‌کند. ترامپ مطمئنا درباره تبدیل شدن به یک رئیس جمهوری مادام‌العمر شوخی کرد، امنا اکنون آتک تردیدی وجود ندارد که وی در خصوص تصمیم رئیس جمهوری چین برای تمدید دوره ریاست جمهوری و مادام‌العمر کردن آن خطری احساس نمی‌کند. به نوشته نیویورک تایمز، این واکنش ترامپ در راستای حمایت و تکیه تأیید وی از تاکتیک‌های پی رجمانه و خودکدکه افسردی همچون «ولادیمیر پوتین»، «رج طیب اردوغان» و «دورگوک زهره‌تاش» این روزنامه افزود: ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ میلادی اکثریت رأی مردم را به دست نیآورد اما بر اساس برتری در کالج‌های انتخاباتی رئیس جمهوری آمریکا شد و لازم به ذکر است که این کنگ‌های روسیه هم برخوردار شد و این قابل درک است که وی با دموکراسی راحت نیست و در تلاش برای ترویج دموکراسی، منافع ملی را در نظر نمی‌گیرد و مسئولیتی در این زمینه احساس نمی‌کند.

**نخستین هیات سیاسی کره جنوبی پس از ۲۰ سال به پیونگ یانگ رفت**

سرویس خارجی: هیات سیاسی کره جنوبی برای اولین بار پس از گذشت ۲۰ سال با هدف آمادهمزای شرایط برای اولین مذاکرات میان کره شمالی و آمریکا به پیونگ یانگ رفت. «چونگ اویی یونگ»، مشاور امنیت ملی کره جنوبی که در راس این هیات به کره شمالی سفر کرده است، گفت: ما قصد داریم به منظور تسادوم مذاکرات بین کره و کره و همچنین آغاز گفتگوهای یکایک با واشنگتن مذاکراتی عمیق برگزار کنیم. این احای است که هیات سیاسی کره جنوبی در پیونگ یانگ در ضیافت شام با «کیم جونگ اهر» رهبر کره شمالی دیدار کرد. این اولین دیدار اون با مقامات ستول است. گفته می‌شود در این دیدار رهبر کره شمالی ظاهرا تمایل خود را به بهبود روابط کشورش با کره جنوبی نشان داده است.



سفر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل، در این نشست از سازمان ملل خواست اولویت خود را به جای صدور قطعه‌نامه علیه اسرائیل، محدود کردن نفوذ ایران در خورامیه قرار دهد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز امروز سفته‌بر در نشست سالانه آپیک گفت: اسرائیل به حمایت از رژیم صهیونیستی گفتگو می‌کنند. هدف اصلی این نشست جلب حمایت بیشتر آمریکا از رژیم صهیونیستی در عرصه‌های مختلف است و گفته می‌شود یکی از موضوعات اصلی گفتراں اسرائیل، بحث درباره ایران است. پس از ساعاتی این کمیته آپیک، تدوین یک استراتژی جامع درباره ایران به عنوان یکی از محورهای اصلی لیونگ‌گذاران آمریکایی در مورد سیاست

**فارین پالیسی: سعودی‌های وهابی، خطرناک‌ترین گروه تروریسم در جهان هستند**

سرویس خارجی: نشریه «فارین پالیسی» در گزارشی نوشت: سعودی‌های وهابی، خطرناکترین و خشک‌ن ترین گونه تروریسم در جهان هستند و این ایدئولوژی را همچنان اشاعه می‌دهند. «فارین پالیسی» در این گزارش آورده است: دولت آمریکا، سعودی‌ها را به عنوان شریک خود در مبارزه با افراط گرایان اسلامی معرفی می‌کند اما واقعیت این است که سعودی‌ها خود یکی از اشاعه‌دهندگان مکتب فکری این گروه‌ها هستند و تروریسم را در دنیا گسترش داده اند.این نشریه افزوده است: در واقع وهابی گری، مکتب فکری خاص سعودی‌هاست که به عنوان منادی خشن ترین نوع تروریسم در سطح بین الملل و جهان ترویج شده است. «فارین پالیسی» همچنین نوشت، عربستان سعودی به عنوان یک کشور بی ثبات و بی ثبات می‌شود و معلوم نیست حکومت بعدی این کشور که جانشین «اسلم مکه» خواهد شد، نسبت به آمریکا روابط دوستانه داشته باشد. در این گزارش آمده است: آمریکا نباید فکر اصلاحات نمایشی محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان را بپذیرد؛ این حکومت دیکتاتوری خودکامه است و اقلیت‌ها را به بند کشیده است. «فارین پالیسی» همچنین پس ازامضای یادداشت تفاهم بین عربستان و آمریکا در مورد برنده هسته‌ای نوشت، به رغم تکذیب‌های عربستان به نظر می‌رسد پادشاهی سعودی تولید سلاح اتمی را یکی از اهداف خود می‌داند و با توجه به رقابت عربستان با ایران، دولت این کشور در اهداف تعریف شده برای برنامه هسته‌ای خود به کمر از مشخصات برنامه هسته‌ای ایران قانع نخواهد شد.

در این گزارش آمده است، آمریکا نباید به عربستان اجازه هسته‌ای شدن بدهد و واشنگتن باید در این رابطه به ریاض فشار وارد کند ؛ این ریاض است که باید به شکست خبری الجزیره در گزارشی به نام «قطر ۹۶» برای نتایج بار و جزئیات و اسناد دست داشتن عربستان، امارات، مصر و بحرین در حمایت از تلاش برای گردنا علیه نظام قطر در سال ۱۹۹۶ را فاش کرد.به گزارش شبکه خبری الجزیره، این گزارش شامل اسنادی از سازمان اطلاعات عربستان و «سلمان بن عبدالعزیز» پادشاه این کشور است که در آن زمان این منطقه ریاض بود. بر اساس این گزارش، «فهد العبدالعزیز» افسر سیاسی سازمان اطلاعات قطر و یکی از مهم‌ترین متهامان در پرونده راه‌اندازی اطلاعاتی را در کمیته رهبری عالی ادره کودتا که به صورت برنامه‌در چند کشور شورای همکاری خلیج فارس و همچنین مصر تشکیل شده بود، فاش کرده است.

سرویس خارجی: آنها به سمت گذرگاه مرزی «حرش» واقع در شمال یمن با پاکس سنگین نیروهای ارتش و انفصالحه در شمال یمن، به هلاکت چندین تن از متجاوزان ائتلاف سعودی، به شکت انجمن‌ایمنی متابع گفتند: نظامیان عربستانی و مزدوران سودانی آنها سعی داشتند با برخورداری از

**حمله داعش به سفارت آمریکادر ترکیه ناکام ماند**  
اعلام کرد: به دلیل بروز یک تهدید امنیتی درهای سفارت به صورت موقت به روی عموم بسته شد و در زمان تعطیلی فقط خدمات اضطراری در این مقر دیپلماتیک قابل ارائه خواهد بود. همزمان با این تهدید امنیتی ، وادستاری ترحیم تروریستی داعش را در آنکارا از عناصر حرم دستگیری ۲۰ تن از عناصر حکومت تروریستی داعش را در آنکارا صادر کرد. این در حالی است که مزدوران امنیتی ترکیه از بازداشت ۱۲ نفر از این تروریست‌ها

ایتالیا" توانست ۳۷.۴۸ درصد آرا را در انتخابات مجلس سنا و ۳۶.۹۶ درصد آرا را برای انتخابات مجلس سفلا پارلمان کسب کند. حزب لیگ شمالی به نوبه خود بیش از ۱۷ درصد آرا را در دست آورده و در مجلس پارلمان به اساس اطلاعات وزارت کشور ایتالیا بعد از شمارش آرای ۹۰ درصد حوزه‌های رای‌گیری هیچ یک از نیروهای سیاسی ایتالیا آرای کافی برای کسب اکثریت در مجلس سنا و رسیدن به ظرفیت لازم برای تشکیل دولت این کشور را به دست نیآورد.اند میزان و کرسی‌هایی که ائتلاف راست‌میان در ایتالیا به دست آورده، اگر چه موقعیتی محسوب می‌شود اما به آن اندازه‌ای نیست که این ائتلاف بتواند به راحتی تشکیل دولت دهد. برلوسکنی که یک ائتلاف راست‌میان را هدایت می‌کند، با توجه به محکومیتش در رابطه با پرونده کلاهبرداری مالیاتی اجازه ندارد تا سال آینده میلادی هیچ حزب دولتی را به خود اختصاص دهد.



سالیونی، رهبر حزب لیگ شمالی ایتالیا به دنبال مشخص شدن پیروزی ائتلاف راست‌گرایان این کشور در انتخابات سراسری گفت، این ائتلاف توانست حرق حق برای احکم شدن مطرح شده که ائتلاف راست میانه سالیونی اظهار داشت: این یک پیروزی تاریخی است و با نتایج بزرگ در سراسر کشور کسب کردم

**گزارش مستند ویکی لیکس از چگونگی تشکیل داعش و جبهه النصرة**

سایات افشاگر ویکی لیکس به سندی اختصره مربوط به سال ۲۰۰۴ دست یافته که نشان می‌دهد سازمان سیا گروه تروریستی جدیدی (جبهه النصرة) را از دل القاعده به وجود آورد تا افراط گرایان سراسر دنیا را در خاورمیانه جمع کند.

«ادوارد سنودن» از افسران سابق سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) که سایات افشاگر ویکی لیکس را مدیریت می‌کند، به سندی خطاب کرده مربوط به سال ۲۰۰۴ دست یافته که نشان می‌دهد سازمان سیا گروه جبهه النصرة را از دل القاعده به وجود آورد تا افراط گرایان سراسر دنیا را بعد از اینکه آمریکا درسال ۲۰۰۲ دشتش را روی عراق گذاشت طی عملیاتی با نام SWAPS NEST از خاورمیانه جمع کند. سنودن می‌گوید: در تاریخ ۲۰۰۴/۲/۱۹ (۲۰ بهمن ۱۳۸۲) مسئولان اطلاعاتی آمریکا و بریتانیا و اسرائیل در قصر یکی از شاهزاده‌های عرب در بریتانیا به مدت سه روز جلسه تشکیل دادند و در نهایت تصمیم بر آن شد که یک یکی از کشورهای عربی آموزش دادند و بعد از آن او را به استان الکبار عراق فرستادند و از آن جا شروع به تأسیس دولت اسلام عراق – که بعد واژه شام نیز به آن اضافه شد- زیر نظر مایکل اربسون، سرهنگ اطلاعاتی بریتانیا کردند. اربسون به زبان عربی کاملاً اشناست و به لهجه فلسطینی همداند شهروندان فلسطینی صحبت می‌کنند. بریتانی که ۸۶۰ میلیون دلار توسط یک راننده کامیون برای زرقاوی فرستاده شد تا بتواند نیروهای را برای آموزش نابودی گروه‌های مقاومت عراق که ضد نیروهای آمریکایی عمل می‌کرد، برای آموزش به اردوگاه نظامی مراد

نفاذ زرقاوی در عراق آنتپ ترکیه فرستد. نفوذ زرقاوی در مصر، ترکیه، لبنان و دیالی گسترش یافت و شروع به سرپیچی از دستورات سرهنگ مایکل اربسون کرد. جبهه النصرة در سال ۲۰۰۶ به بغقوبه به قتل برساند و مدیریت گروه را از ابراهیم بدری المکنی به ابوبکر البغدادی که در زندان بوکا در بغداد حبس بود، سپارده.البغدادی را با هواپیمای آمریکایی به اسرائیل انتقال دادند تا دوره‌های آموزش نظامی و اطلاعاتی را در موساد و پایگاه ناخال موشی طی کند. سپس به عراق بازگشت و ارتشی از سنی‌های عراق را به یانه بیرون راندن و مبارزه با اشغالگران و شیعیان با خود همراه کرد. او از پراهای که برایش می‌فرستاده می‌نروهایش می‌داد و توانست تعداد زیادی از شهروندان عراق را در کنار خود جمع کند.سال ۲۰۰۶ یک نقطه عطف در خورامیه بود. اسرائیل تصمیم گرفت عملیات حزب الله را در سپتامبر ۲۰۰۶ شروع کند و ۱۰۷ و ۱۰۰ برای آن زمان تعیین کرد تا در عملیات هوایی و زمینی در شمال شهر صیدا، لبنان را از جنوب و شمال (مرا اسرائیل) به شکل گازتاری به جنگ خود بیندازد. او حزب الله را با این نقشه با این هدف آماده کرد که برای مقابله با آن طرحی هماهنگی با سوریه و ایران به دست آورد تا هزاران موئک و تجهیزات نظامی را از طریق سوریه به حزب الله برسانند.

حزب در اوسط ژوئن ۲۰۰۶ به دلیل مبارات در سراز اسرائیلی توسط حزب الله شروع شد و ۳۳ روز طول کشید و اسرائیل تسلیحات‌های لبنان را از شمال تا جنوب نابود کرد بدون آنکه بتواند طبق برنامه، حزب الله از بین ببرد.اسرائیل در این جنگ تحمل خسارات جانی و مالی بسیاری شد و تا جایی که دولت اسرائیل تصمیم به تشکیل یک کمیسیون تحقیق گرفت و جواب کاستی را بررسی کرد. این کمیسیون مها به بررسی و ارزیابی پرداخت تا به این نتیجه رسید که نابودی حزب الله مسیر نسبت مگر ازمنافع آن را از سوریه و ایران از بین ببرد. این نتیجه‌های اسرائیل و عربی و آمریکایی ضد ایران و حزب الله طراحی شد.اسنودن می‌گوید: در آوریل ۲۰۰۷ ابوبکر البغدادی به ترکیه اخضار و از آنجا با هواپیمای ویژه از آنوقت ایتالیا دده شد. تا از او خواسته شود تعداد زیادی از مبارزان سنی از سعودی، یمن، تونس، فرانسه و بریتانیا جمع کند و همچنین پایگاه جدیدی در غازی آنتپ ترکیه بنا شند تا مبارزان جدید را آموزش دهند. همچنین «شرف ریغی» مدیر پیشین نیروهای امنیت داخلی لبنان و «واسم الحسین» از پالیس لبنان کمک شدند سلاح‌ها را در روستاهای سوریه پراچا که اخوان المسلمین در آن نفوذ داشت قاچاق کنند و شروع به انتقال پول‌های به سوریه کردند.پس از راه اندازی قیام در دعا ۱۷ هزار مبارز از سوریه و کشورهای عربی در ترکیه آموزش دیدند و ماهانه ۷۵۰ دلار به عنوان حقوق به هر کدام از آنها پرداخت می‌شد و سپس از البغدادی نیز خواستند تا وارد سوریه شود.این دستگاه‌های اطلاعاتی طوری عمل کردند که سوریه محل جمع افراطی‌های سراسر دنیا شود تا جایی که تعداد ملیت‌های در سوریه می‌چنگیدند به ۷۸ ملیت از کشورهای مختلف و ۱۲۸ هزار فرد مسلح رسید و به گفته اسنودن ۱۰۷ میلیارد دلار از کشورهای عربی برای این کار هزینه شد.این درحالی است که «احمد بن جاسم» نخست وزیر سابق قطر اعلام کرده بود آنها برای آنچه به اصطلاح انقلاب سوریه می‌نماند ۱۲۷ میلیارد دلار صرف کردند.

منبع: ابنا

## روسیه از موتور هسته ای برای موشک‌های بر نامحدود رونمایی کرد

اینها این همه چیزی نیست که امروز می‌خواهم بگویم، گفت: روسیه موشک بالدار ساخته است که به برد نامحدود دارد و با موقعیت آزمایش شده است؛ این موشک آنراکند دارد و به اثر روسیه تحویل شده است. پوتین خاطرنشان کرد: روسیه زیردریایی جدیدی هم ساخته که قادر به پیماست و می تواند با صدای بسیار کم در نه نقطه ای از جهان مأموریت خود را انجام دهد و موشک‌های هسته‌ای با غیرهسته‌ای به سوی دشمن شلیک کند. رئیس جمهوری روسیه گفت: موشک بالدار جدیدی به تنگنال نیز برای استفاده در هواپیماها ساخته شده است که می تواند موانع را از دور هدف قرار دهد.

جديد سرمتم اشاره کرد و افزود: این موشک جایگزین موشک ویروود ساخت شوروی شده است. در سال ۱۱ هزار کیلومتر بر داردوی افزود: موشک قاره پیما جدید روسی را به پایتند قاره‌های غربی می‌کند و برد آن نیز نامحدود است و می تواند با عبور از قطب شمال و جنوب هر نقطه ای از کره زمین را هدف قرار دهد. رئیس جمهوری روسیه سپس با بیان

**حمله تروریست‌ها به کاروان کمک‌های بشر دوستانه عازم غوطه شرقی دمشق**

سرویس خارجی: وزارت خارجه سوریه اعلام کرد که تروریست‌ها به ۲۶ کامیون حامل کمک‌های بشر دوستانه ارسال به غوطه شرقی حمله کردند. «فصل مقداد» معاون وزارت خارجه سوریه در این زمینه گفت که دمشق موفق‌ترت که کمک‌های بشر دوستانه را به اردوگاه پاندهنگان «الرکاب» واقع در مرز با اردن رساند که کندوی افزود: سازمان ملل متحد باید تصمیم دهد که این کمک‌ها به افراد مدنظر تحویل داده می‌شود. پیش از این به روسیه پیشنهاد خود را برای ارسال کمک‌های بشر دوستانه ارائه داده بود با این حال، تروریست‌های حاضر در غوطه شرقی مانع از اجرای عملیات بشر دوستانه می‌شوند. در دمشق وزارت دفاع سوریه اعلام کرد که ۱۳ مورد نقض آتش پس در مناطق کاهش شتن در سوریه ثبت شده است. بر اساس این گزارش، نقض آتش‌س توسط تروریست‌ها در حومه لاذقیه، حلب و دمشق رخ داده است. این درحالی است که ارتش سوریه به پیشروی مهمی در غوطه شرقی دمشق دست یافت و به ورودی‌های شهرک مرسابا رسید. ارتش سوریه بعد از کنترل بر منطقه جنوب شهرک الشیفونیه تا شمال شهرک حوش الاسری، به ورودی‌های شهرک‌های مرسابا و سیرا سووا لاسری، ارتش همچنان درحال تأمین کرباها انسانی برای خارج کردن غیرنظامیان از غوطه شرقی است. ارتش سوریه کنترل ۴۰ درصد از مساحتی را که در غوطه شرقی تحت کنترل افرام مسلح بود، در دست گرفته است. همچنین به گزارش الانجمن ترستی سوریه تا حدود روند عملیات خود در استانه غوطه غوطه به پیش جنوب و شمالی قرار گرفته است. در صورت تحقق چنین پیش فرضی، کمربندی که جنوب غربی را از شمال آن جدا می‌کند، عراق خواهد شد و بدون ترتیب جیش الاسلام در بخش شمالی و تروریست‌های «فیلل الرحمان و جبهه النصرة» نیز در جنوب آن حضور خواهند داشت. همزمان نیروهای جمهوری سوریه تأکید کرد که عملیات در غوطه شرقی ادامه خواهد داشت و در عین حال تدابیری

پ.ک.ک محلق کرده است.

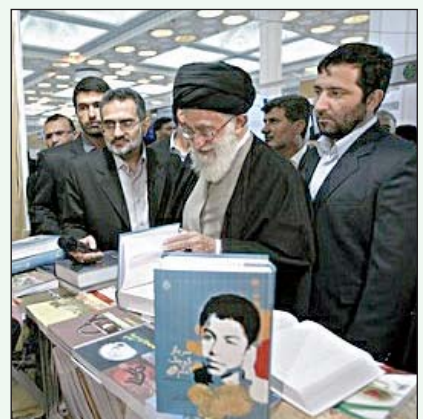




تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «سرباز کوچک امام»

## یکی از شگفتی‌های دفاع مقدس

دشمن یعنی برای درهم شکستن مقاومت گروهی از آزادگان کم سن و سال و ایجاد تبلیغات علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و تأثیرگذاری بر روحیه رزمندگان اسلام، اقدام به تدارک برنامه های تبلیغی در اردوگاهی کرد که این نوجوانان اسیر، دوران اسارت خود را در آنجا سپری می کردند.



ازجمله راه اندازی مدرسه (که هیچ وقت به حول و قوه پروردگار و مقاومت آزادگان، شکل نگرفت) و آوردن خبرنگار به آن اردوگاه و توزیع لباس شیک بین آزادگان و ...

یکی از روزهای سخت اسارت که با این اقدامات دشمن، شرایط کاملاً «اسارت در اسارت» شده بود، گروهی خبرنگار(واقعاً قلم به مزد) وارد اردوگاه شدند. در میان این گروه، زن خبرنگار هندی تبار و شاغل در کانال چهار تلویزیون فرانسه نیز حضور داشت که از همه افراد آن گروه کار بلدتر بود و برای انجام مصاحبه اش طراحی صحنه و کارگردانی نیز می کرد. او گروهی از آزادگان را در آسایشگاهی نشاند و دور آسایشگاه چرخی زد. سپس جلوی کوچکترین و در عین حال چغرتین آزاده نشست. ششاید کار خدا بود که مهدی طحانیان را انتخاب کرد. او تا اینجای کار طبق برنامه پیش رفت، اما با طرح اولین سؤال، همه برنامه ریزی های یعنی ها و خانم خبرنگار واربابانش نقش بر آب شد: «من مصاحبه نمی کنم، چون حجاب ندارم!»

انصافاً آن خانم هم فقط روسری نداشت، اما طحانیان به او نگاه هم نکرد. مقاومت مؤمنانه طحانیان، خانم خبرنگار را وادار به رعایت حجاب کرد. گرچه پاسخ های کوبنده او در برابر پرسش های گزنده و جهت دار خبرنگار، نقطه درخشانی در تاریخ دفاع مقدس است؛ اما آنچه در خاطرات مردم باقی ماند، وادار کردن آن خبرنگار به رعایت حجاب بود.

\*\*\*

کتاب «سرباز کوچک امام»، نوشته فاطمه دوست کامی، از سوی انتشارات پیام آزادگان منتشر شد. در این کتاب، خاطرات دوران اسارت آزاده سرافراز، مهدی طحانیان، در سنین نوجوانی در زندان های رژیم بعث عراق (۱۳۶۱ تا ۱۳۶۹) روایت شده است.

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب، پس از مطالعه این کتاب، برای آن تقریظی مرقوم فرمودند که متن آن به این شرح است:

بسمه تعالی

سرگذشت این نوجوان شجاع و باهوش و صبور در اردوگاه های اسارت، یکی از شگفتی های دفاع مقدس است. ماجراهای پسر بچه سیزده چهارده ساله ای که نخست میدان جنگ و سپس میدان مقاومت در برابر مأموران درنده خوی یعنی را با رفتار و روحیه ای اعجاب انگیز، آزموده و از هر دو سربلند بیرون آمده است.

بقیه در صفحه ۲



خوشتن را بزرگ می بینی  
راست گفتند یک دو بیند لوچ  
«گلستان سعدی»



آقای شاکردان

«صادق تبریزی» از هنرمندان بنام مکتب سقاخانه در کلام شاگردش «احمد میرزا زاده»

## پیشگام در نقاشی خط ایران

درمان ها در آن کشور موثر واقع نشد و ایشان از بین ما رفت. درگذشت صادق تبریزی با ابهامات پرسش برانگیزی همراه است؛ مثلاً اینکه چرا خبر بیماری این هنرمند مطرح عرصه هنرهای تجسمی، آن هم به مدت چهار ماه، از رسانه ها پنهان مانده است؟ و دیگر اینکه چرا این هنرمند با وجود حال و هوای به شدت ایرانی آثارش، ترجیح داده است به جای ایران، در لندن دفن شود؟ با «احمد میرزا زاده» از بستگان «صادق تبریزی» و یکی از معدود شاگردان این هنرمند بنام به گفت و گو نشستیم تا شاید با توضیحات او بخشی از ابهامات پیش آمده برطرف شود.



زنده یاد استاد صادق تبریزی

ایشان دچار سرطان کبد شده بودند. ایران که بودند متوجه شده بودند ولی وقتی که برای معالجه به لندن رفتند، این بیماری وخیم تر شده بود و مسلماً خود ایشان متوجه شده بودند که بیماری شان دیگر درمانی ندارد و به زودی این بیماری از پا در شان می آورد. در نتیجه ارتباط هایشان را قطع کردند. ایشان حتی دوست نداشتند در این وضعیت همسر و بچه هایشان هم او را ببینند و یا عکس و صدایی از ایشان در این وضعیت منتشر شود. به همین خاطر هیچ عکسی از ایشان در هنگام بیماری، حتی وقتی که در ایران و در بیمارستان بودند و خیلی لاغر شده بودند را نمی توانید پیدا کنید. ایشان خیلی دوست داشتند با همان عکس هایی که در موقع سلامتی در رسانه ها و در جاهای مختلف منتشر شده بود، در یادها بماند و البته آثارشان هم که در هنر ایران ماندگار است.

در اینجا کمی هم به نقش صادق تبریزی در روند هنر مدرن ایران بپردازیم.

ایشان به عنوان یک هنرمند تمام عیار، مبدع نقاشی خط مدرن ایرانی بودند. یکی از پرکارترین هنرمندان نوگرای ایران که دوره های فراوانی در کارنامه فعالیت شان به چشم می خورد. ایشان جزو مؤسسين سبک نقاشی سقاخانه بودند و از پیشکسوتان این شیوه محسوب می شوند. ایشان با آقای ناصر اویسی، حسین زنده رودی و پرویز تناولی، شروع کننده این شیوه بودند و در همان ایام افراد دیگری هم به این مکتب اضافه شدند که البته بحث آن مفصل است و جای تحلیل دارد.

گویا رشته تحصیلی آقای تبریزی معماری بود؟

بقیه در صفحه ۴

نگاهی به فیلم "آن سوی امید"



"آن سوی امید" فیلمی جدی است. فیلمی که نشان از غیبت طولانی انسانیت در قرن حاضر است. قرنیه که هنوز کشتار و ویرانه ها را در نیمه از دنیا از پس جنگ جهانی اول و دوم رابه خاطر دارد. قرنیه که سرآغاز جنگش از ساریو شروع شد و در ساریو و با کشتاری فجیع و جدالی خونین میان اقوام مختلف به پایان رساند.

اما اتفاقی که در "آن سوی امید" رخ داده، همین جنگی است که در فیلم دیده نمی شود. فضایی غم انگیز و سرد و همراه با همدلی، بی گمان فضایی جذاب برای "آن سوی امید" است.

در صفحه ۵ بخوانید



منوچهر دین پرست

## ژست رهایی

بیماری استاد چه بود و کی ایشان متوجه بیماری شان شدند؟



تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «سرباز کوچک امام»

## یکی از شگفتی‌های دفاع مقدّس

بی حجاب است.

چنین تصمیمی در شرایط وحشتناک و خفقان آور اسارت که جسارت بی مثالی می‌طلبید، توسط نوجوانی گرفته می‌شود که خود را سرباز و مطیع



فاطمه دوست‌کامی، نویسنده کتاب

اوامر رهبرش می‌داند. زندگی اسارتی و ابتکارات ریز و درشتش، روابط و علقه‌های به وجود آمده میان او و رفقای دربندش، حوادث متفاوتی که حین اسارت بر اردوگاه‌ها سایه انداخته، تنها بخشی از فصول این کتاب است.

کتابی که به زعم کارشناسان این حوزه، جامع‌ترین اثر خاطره‌نگاری به لحاظ حجم و محتوا در عرصه «اسارت» و «فرهنگ ایثار و مقاومت» به

شمار می‌آید.

مهدی طحانیان می‌گوید: ۱۳ ساله بودم که به



جبهه رفتم. شناسنامه هم جعل نکردم، چون شناسنامه ام یک سال جلوتر گرفته شده بود و به خاطر فعالیت‌هایی که در بسیج داشتم؛ مثلاً شبانه روز فعالیت می‌کردم و در تمام اردوها بودم، بنابراین در زمان اعزام همه نظرشان این بود که من می‌توانم از پس کارم

بربایم و نیروی خوبی هستم. به برکت حضور امام، رزمندگانی دیدیم که در سن کم، منحصر به فرد بودند. اکنون ۳۴ سال از آن مصاحبه می‌گذرد و اگر قرار باشد حالا اعتقاد دیگری داشته باشم، خسران بزرگی دیده‌ام.

اینکه رهبر معظم انقلاب نسبت به خاطرات من چه نظر لطیفی دارند، جای شکر و سپاسگزاری دارد و خوشحالم توانستم قلب ولی زمان خودم را راضی کنم. خودم را لایق صفاتی که حضرت آقا برشمردند نمی‌دانم؛ اما از خدا توفیق می‌خواهم همانطوری باشم که باید و وظیفه‌ای که بر دشمنان باشد را به انجام برسانیم. در مراسمی که حضرت آقا تشریف داشتند، یک نسخه از این کتاب را داشتم. ایشان تا کتاب را دیدند، از من پرسیدند: این خود شما هستید؟ دو بار این سؤال را تکرار کردند که گفتم بله و کتاب را خدمتشان دادم. خیلی دلم قرص بود که بالاخره اتفاق خوبی می‌افتد. تقریظ مقام معظم رهبری بر این کتاب، پر پروازی برای

بقیه از صفحه اول

دل بر مظلومیت او می‌سوزد، ولی از قدرت و تحمل و صبر او پرمی‌کشد. این نیز بخشی از معجزه بزرگ انقلاب اسلامی است. در این کتاب، نشانه‌های خجالت و لثامت مأموران یعنی آشکارتر از کتاب‌های مشابهی است که خوانده‌ام. به‌هر حال این یک سند بالارزش از دفاع مقدّس و انقلاب است. باید قدر دانسته شود.

خوب است سست پیمان‌های مغلوب دنیا شده، نگاهی به امثال این نوشته‌صادقانه و معصومانه بیندازند. شاید رحمت خدا شامل آنان شود.

۹۶/۴/۱۲

\*\*\*

کتاب «سرباز کوچک امام»، روایتی است از خاطرات آزاده مهدی طحانیان از کودکی تا امروز. جهت آفرینش این اثر ارزشمند در مجموع ۱۶۳ جلسه مصاحبه با مهدی طحانیان گرفته شده است که طی آنها نزدیک به ۳۵۰ ساعت فایل صوتی ذخیره گردیده است.

علاوه بر این حجم صوتی، حدود ۲۰ ساعت مصاحبه تکمیلی نیز با افسراد مربوط با خاطرات آقای طحانیان از جمله پدر مهدی طحانیان، سرهنگ حسن زارعی از فرماندهان دفاع مقدس و همسنگران مهدی، آزادگان سرفراز حجت الاسلام سید حسن میرسید، فاطمه ناهیدی، فاطمه شمسی بهرامی، معصومه آباد و امیر شاه پسندی و همچنین نامه‌هایی از دوران اسارت تهیه شده است. تمامی این تلاش‌ها و حساسیت‌های مربوط به ثبت خاطرات مهدی طحانیان، تنها به این دلیل بوده که خاطرات یکی از جوان‌ترین اسرای انقلاب

تفسیر دکتر دینانی از «کلشن راز»



## واک واک

گفتگو از: کریم فیضی ۲۲۴

واحد

\* این حرف درست مثل یک قاعده درست است ولی شبستری هنوز توضیح نداده که حادث چیست. باید دید که در ادامه این موضوع را توضیح خواهد داد یا نه:

نه آن این گردد و نه این شود آن همه اشکال گردد بر تو آسان

می‌گوید: نه هستی این امکان را دارد که نیستی شود، نه برای نیستی چنین امکانی وجود دارد که به هستی بدل شود. اگر کسی این نکته را بفهمد و بداند، همه اشکالات برایش آسان و معلوم می‌شود.

\* بیت بعدی:

جهان خود جمله امر اعتباری است چو آن یک نقطه کاندل دور ساری است

در واقع، شبستری حرفش پاسخ به این سؤال است که: اگر هستی نیستی نمی‌شود و نیستی هم هستی نمی‌شود، پس جهان چیست؟ جهان روزی نبوده ولی الآن هست؟ می‌گوید: جهان اساساً یک امر اعتباری است. البته در اینجا اعتبار معنایش آن نیست که در علم اصول می‌گویید که ساخته ذهن است. در اینجا «اعتبار» معنای دیگری دارد.

\* در ادامه ابیات این معنا را توضیح می‌دهد ...

نه در همین بیت توضیح می‌دهد و می‌گوید: درست مثل نقطه‌ای که در یک حرکت دایره‌ای سریان دارد و جاری است. شما اگر یک نقطه را بچرخانید، دایره شکل می‌گیرد. این دایره واقعی نیست. دایره از نقطه ساخته می‌شود و این معنای اعتبار است. این را هم بگویم که نه نقطه، نه خط و نه دایره وجود خارجی ندارند و نمی‌توان در هستی خط یا دایره حقیقی را پیدا کرد. دایره و خط وجود ندارد، مگر در ذهن ما. موجود شدن جهان اعتباری است درست مانند تشکیل شدن دایره از خط. جهان شبیه یک نقطه است و از اتصال بخش‌های جهان - که اعتبار است - جهان را اعتبار می‌کنیم. ما همه چیز را متصل می‌بینیم ولی انفصال محض بر جهان حاکم است. عالم نقطه‌ای بیش نیست و دوران آن اعتبار ذهن ماست. حالا شما ببینید نظم جهان چقدر به ذهن و عقل ما وابسته است.

\* بیت بعدی مثال است:

برو یک نقطه آتش بگردان

که پینی دایره از سرعت آن همه ما آتش گردان را دیده‌ایم و دیده‌ایم که از دور چطور یک دایره کامل آتشین را می‌سازد. من بخصوص تصویر دایره ساخته شده از آتش گردان را از ایام تحصیلم در مدرسه تیماور اصفهان به خاطر دارم. طلبه‌ها برای درست کردن منقل، ذغال‌ها را در آتش گردان می‌چرخاندند و از چرخش آتش گردان دایره ساخته می‌شود. برای فهم دایره اعتباری عالم، این بهترین مثال ممکن است. ما یک دایره یا کره می‌بینیم ولی در حقیقت چیزی جز یک نقطه سیار نیست.

\* بیت بعدی، مثالی دیگر است که شبستری بارها از آن برای بیان مقصودش، استفاده کرده است:

یکی گر در شمار آید به ناچار

نگردد واحد از اعداد بسیار بارها گفته‌ایم که اعداد، از ۱ یا میلیارد و بی‌نهایت، از واحد ساخته شده‌اند و اصولاً عددها، تکرار یک هستند. با تکرار یک عدد می‌سازیم. اگر یک نباشد یا یک باشد ولی به شرط لا باشد، چه باید کرد؟ اگر یک با عددهای دیگر ترکیب نشود، چگونه می‌توان عددهای کرد؟ ما فقط از واحد لایشرط عدد می‌سازیم و خودش را عدد نمی‌دانیم. عدد عدد است و واحد، واحد است. عدد ساختن از واحد، آن را عدد نمی‌کند.

ادامه دارد

ما هست.

ما برای بیان خاطراتمان، نه دنبال اسم بودیم، نه شهرت، اما در وجود احساس مسئولیت می‌کردم. چون می‌دیدم ما چه دنیایی را پشت سر گذاشتیم. ما ۹ سال با مرگ هم آغوش بودیم و البته آن را عاشقانه در آغوش گرفته بودیم و تجربیات نابی کسب کرده بودیم. خیلی‌ها سوختند و نابود شدند.

ما این را با تمام وجود درک کردیم و سالیان سال در مقابل دشمن ایستادیم و دشمن هیچکاری نتوانست بکند....

فاطمه دوست‌کامی، کتاب «خاطرات سرباز کوچک امام» را طی چهار سال با نگاهی به زندگی این بزرگمرد و با حمایت مؤسسه فرهنگی پیام آزادگان نوشته است.

فاطمه دوست‌کامی درباره روند نگارش کتابش می‌گوید: آغاز کار این کتاب از تیرماه سال ۸۸ کلید خورد و قرار شد خاطرات این آزاده، از صفر تا ۱۰۰ ثبت شود. در فایل اولیه ۲۵۰ ساعت از خاطرات مهدی ضبط شد. از کودکی گرفته تا اعزام او به جبهه و بعد هم اسارت.

در بخشی از این خاطرات آمده است که ایشان به دلیل جثه کوچکی که داشتند، مورد توجه عراقی‌ها قرار گرفته بودند و تا مدت‌ها او را در کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌چرخاندند برای روحیه دادن به سربازان عراقی. آنها می‌گفتند که سپاه خمینی همه همین کودکان ۶-۷ ساله هستند.

پس از نگارش بخش اول خاطرات را به مهدی طحانیان دادیم و او با وسواس زیادی آنها را مطالعه کرد و تغییراتی در کتاب ایجاد شد. سه بار این کار بازنویسی شد تا آنچه مدنظر ماست، تولید شود.

سپس در فاز دوم ۱۰۰ ساعت مصاحبه دیگر با مهدی انجام شد که مجموعاً حاصل این ۳۵۰ ساعت مصاحبه، سرباز کوچک امام بود. هدفمان این بود که بخشی از خاطرات دفاع مقدس را به مخاطبان عرضه کنیم. در بخش از این کتاب می‌خوانیم:

دشمن یعنی برای درهم شکستن مقاومت گروهی از آزادگان کم سن و سال و ایجاد تبلیغات علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و تأثیر گذاری بر روحیه رزمندگان اسلام، اقدام به تدارک برنامه های تبلیغی در اردوگاهی که این نوجوانان اسیر اسارت خود را سپری می‌کردند نمود.

ازجمله راه اندازی مدرسه (که هیچ وقت به حول قوه پروردگار و مقاومت آزادگان شکل نگرفت) آوردن خبرنگار به آن اردوگاه و توزیع لباس شیک بین آزادگان و ... یکی از روزهای سخت اسارت که با این اقدامات دشمن شرایط کاملاً اسارت در اسارت شده بود. گروهی خبرنگار

(واقعاً قلم به مزد) وارد اردوگاه شدند. در میان این گروه زن خبرنگار هندی تبار و شاعلی در کانال چهار تلویزیون فرانسه نیز حضور داشت که از همه افراد آن گروه کار بلد تر بود و برای انجام مصاحبه اش طراحی صحنه و کارگردانی نیز می‌کرد.

او گروهی از آزادگان را در آسایشگاهی نشانند و دور آسایشگاه چرخی زد. سپس جلوی کوچکترین و در عین حال جعفرترین آزاده نشست. شاید کار خدا بود که مهدی طحانیان را انتخاب کرد. او تا اینجای کار طبق برنامه پیش رفت اما با طرح اولین سوال هم برنامه ریزی بعثیها و خاتم خبرنگار واریابانش نقش برآب شد.

نگاهی به شرایط آن روز و آن مصاحبه: \* طحانیان تقریباً چند ماهی بود به سن تکلیف رسیده بود و دوسال از اسارت خود را پشت سر می‌گذاشت. پشت دوربین، سرهنگ محمودی، افسر بی رحم عراقی و سربازانش، طحانیان را تهدید می‌کردند.

\* اسارت و تنهایی و طبعاً ساقط شدن بسیاری از قیود را باید مد نظر داشت. ضمن اینکه محمودی، قبل از شروع مصاحبه، مهدی را تهدید کرد که اگر این بار برای من و عراق آبروریزی کنی، تو را خواهم کشت.

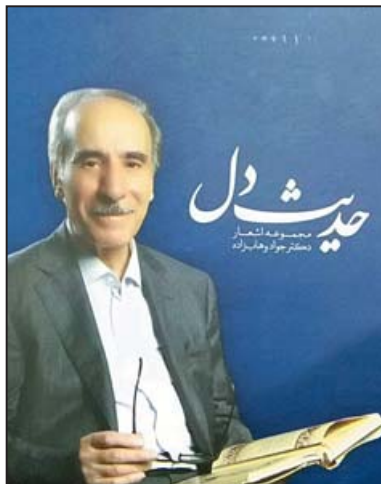




اکبر اکسیر

معرفی مجموعه اشعار حدیث دل / دکتر جواد وهاب زاده منشی / انتشارات محقق اردبیلی / ۱۳۹۶

## طی شد سراب‌ها به تمنای زندگی



یکی را مأمور می کرد مدام بگوید: «تکرار بفرمائید!»  
بیادی از انجمن‌ها کردم. این هفته هدیه ای دارم از انجمن ادبی حافظ اردبیل که توسط دوست خوشنویسم استاد کریم صمدزاده (حفظه الله اقلامه) به دست من رسیده به نام "حدیث دل"؛ مجموعه اشعار دکتر جواد وهاب زاده منشی، واز انتشارات محقق اردبیلی. دکتر که خود از خوانندگان قدیمی روزنامه اطلاعات و نقدینه ادب و هنر است؛ از اعضای ثابت انجمن ادبی حافظ است که در کنار استاد شاهی، یحیی (الچپی)، نجفی (سخ نور)، نظری بقا، کیانی و ... جلسات پرشوری برگزار می کنند.

حدیث دل، حدیث نفس یک دل پراحساس است. دکتر در این کتاب، همه شعرهای خود را به چاپ رسانده، از شعرهای پاکتویس شده تا شعرهای زیرفرشی و یادداشت های فی البداهه. در مقدمه کتاب، چه ساده و صمیمی نوشته است: «جهان ماندگار است و ما رفتنی / به گیتی نماند مگر گفتنی. بدون هیچ تعارفی، ادعای شاعری نداشته و تنها مثل خیلی از هموطنان دوستدار شعر، در بعضی مناسبت های ملی،

انجمن های ادبی، از دیرباز، مجلس انس اهل دل و اصحاب قلم بوده است. ترکیبی از افسران بازنشسته ارتش، شهرپزانی و ژاندارمری، پزشکان، معلمان و سالمندان خوش ذوق. اغلب مردم پایه سن گذشته که هرچند خود را شاعر نمی دانستند، اما ادعای شاعری شان فرصت عرض اندام به کسی نمی داد. هریک از این عزیزان، یک تخلص دیش و چندین دفتر شعر پاکتویس شده، با خط خوش داشتند، به عنوان سبند افتخار نواگان و وراث ادب دوست. امروزه برعکس سالیان دور، انجمن های ادبی محل تاخت و تاز شاعران میان سال و پاتوق دوست یابی شاعران جوان (تولیدی فرهنگسراهای شهرداری تهران و ایالات متحده کرج) است. هریک سماوری راه انداخته اند و جمع صمیمی شاعران پیر و جوان را حالی دگر می بخشند که اگر سودی برای شعر امروز ایران نداشته باشد، حداقل محل گذران اوقات فراغت اهل ادب است.

غزل در این انجمن ها اغلب حرف اول را می زند. به طوری که اگر شاعری شعر را از سستی شروع نکرده باشد، تا آخر عمر مورد شماتت دفترداران خواهد بود. (شنیدم جوان جسور و جویای نامی که در یکی از انجمن های سستی، شعر فرانو خوانده بود، کله اش از دو طرف بخیه خورد!).

من خود یکی از پایه گذاران انجمن ادبی در آستارا هستم. یادم می آید برای تشکیل انجمن ادبی در اداره آموزش و پرورش، خانه به خانه برای کشف شاعران کم نام و کم نام و بی نام گشتم و با کسانی که حداقل یک بیت شعر ترکی یا فارسی سروده بودند، اولین شب شعر را راه انداختم. اکثریت این افراد بلافاصله به جوار حق شتافتند. قبل از اینکه فرق ردیف و قافیه را بدانند. خدا رحمت کندشان.

حضور در جمع این عزیزان برایم طنز آور بود. یاد بعضی نفرات زنده ام می دارد. استاد ۹۰ ساله ای داشتیم که در طول عمر مبارک فقط یک شعر گونه ترکی سروده بود، اما از همه غلط می گرفت. وزن رباعی را طول می داد و عقیده داشت که "لا حول ولا قوه الا بالله علی العظیم" هم دارد! موقع شعرخوانی

واکوی ترانه زمستون افشین مقدم - ۵

## چه سخته مرگ گل برای گلدون

در چهار قسمت گذشته از پاورقی واکاوی ترانه زمستون افشین مقدم، به صحنه هایی از مرگ دلخراش این خواننده پاپ اشاره کردم و نیز به صحنه هایی از سوگواری هایی که بعد از مرگش در جنوب تهران برایش برگزارشد و همچنین گریزی زدیم به گزارش هایی که خبرنگاران هفته نامه های هنری آن روزگار از فضای آکنده از اندوه خانه و زندگی او تهیه کرده بودند و به گفتگو با «آرزو» ستاره سینما و همسر افشین مقدم پرداخته بودند. این نوبت نیز با هم گوشه هایی دیگر از آن گزارش ها را می خوانیم:



الو بابا.....  
آرزو به گوشه ای از اتاق اشاره می کند. دختری کوچولو را می بینم که گوشی تلفن را برداشته و مرتب می گوید: الو بابا، الو بابا.....

می گوید: این مریم دختر افشین است. ثمره عشق پرشور و بی سرانجام من و افشین. به یاد می آورم چهار سال پیش را که برای اولین بار، افشین را از نزدیک دیدم. آن شب پر شور و داغ در سالن هتل «باربکیو». افشین شوری به پا کرده بود و آن غم مخصوص در صدایش انگار مرا صدا می کرد. آن شب گذشت و ما باهم آشنا شدیم .... اما باورم

نمی شد روزی همه چیزم با نام افشین در هم می آمیزد. وقتی به خواستگاری ام آمد، وقتی با خانواده ام صحبت کرد و وقتی با مخالفت هاروبرو شدیم. افشین گفت بیا با هم برویم گوشه ای تنها و عشق و همه چیزمان را قسمت کنیم. خیلی ها سعی کردند زندگی ما را از هم بپاشند و ما مقاومت کردیم، ولی عاقبت یک روز همه چیز در هم ریخت و من با دلی شکسته به خانه پدری برگشتم و افشین غمگینانه مرا ترک کرد. او می دانست که من حامله هستم و به همین جهت باز در خفا یکدیگر را می دیدیم، تا سرانجام دخترش به دنیا آمد. مریم همه امید و آرزوی او شد. لحظه ای نمی توانست دوری او را تحمل کند. حتی زمانی که ما از هم جدا شدیم و هر کدام راهی دیگر پیش گرفتیم، تنها پیوندمان مریم بود.

وقتی می شنید مریم بیمار است، سرآسیمه می آمد. حتی اگر با من هم حرفی

میهنی، فرهنگی، پزشکی، خانوادگی و رفاقتی .... سال ها و روزهای گذشته ابیاتی در قالب های مختلف قلمی کرده و امروز در این دفتر گردآوری نموده ام که می تواند مصداق این گفته باشد: حیات ما همه غیر از فسانه چیزی نیست / من این فسانه را در این جزوه مختصر کردم»

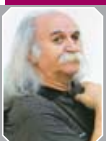
دکتر وهاب زاده از خانواده های اهل علم و ادب و از پزشکان سرشناس اردبیل برای تمام مناسبت ها نمونه شعر و ماده تاریخ دارد. چندین رباعی و غزل حافظ را به ترکی ترجمه کرده و چند غزل معروف از شاعران معروف را تضمین نموده و نمونه شعر اعضای انجمن را آورده با البومی از فتوکپی اسناد تحصیلی و عکس های دوران جوانی که جالب و دیدنی است.

کسانی که ارزش احساسات پاک را بشناسند، این کتاب را به عنوان الیوم یک روح حساس قبول خواهند کرد. امید است که دکتر وهاب زاده که در آمریکا مجوز طبابت داشته و به عشق وطن برگشته، هفته ای یک بار در کنار مجلس شعر و شاعری به ویزیت شاعران نیازمند بپردازد و بانی اولین مرکز شعر درمانی در سرچشمه باشند.

حضور افراد نیکوکار و خوشفکری چون دکتر وهاب زاده در انجمن ادبی حافظ را مغتنم می شمارم و امیدوارم در آینده نزدیک با سرمایه شخصی، مجموعه ای دلپذیر از شعر شاعران پیر و جوان انجمن حافظ را توسط انتشارات محقق اردبیلی و با نظارت استاد شاهی، مقدمه جناب یحیی و ویراست جناب نظری بقا با اجرای زیبای نجفی عزیز رونمایی نمایند.

به عنوان نمی از پی، ابیاتی از غزل تماشا شای زندگی از حضرت استادی جناب آقای دکتر وهاب زاده را با هم می خوانیم:

طی شد سراب ها به تمنای زندگی  
در جستجو و حسرت صهبای زندگی  
پیموده شد نشیب و فراز و ستیغ ها  
تا پا رسد به قله والای زندگی  
ز نهار تا هوس نکشاند تو را به کام  
با عشوه های شاهد رعنای زندگی



افشین مقدم

نمی زد، سرتا پای مریم را بوسه می زد. دست هایش، صورتش، موهایش و بعد صورت خیس شده از اشکش را بر می گرداند و بدون خداحافظی می رفت.

۱۵ روز پیش، آخرین باری بود که دیدمش. آمد که مریم را ببیند، چون می گفت تلفنی گریه ام می گیرد. خوابی که دیده بودم را برایش تعریف کردم و گفتم خواب دیدم که تو رفتی شمال، تصادف کردی و مردی.

گفتم اگر قصد سفر داری، نرو. عقب بینداز. با خنده گفت: یواش بگو مریم. نشنود. آخه دخترم خیلی دوستم دارد. بعد مریم را بغل کرد و بوسید و من باز هم اشک را توی چشمش می دیدم. برایم عجیب بود. توی این دو سه ماه اخیر همیشه غمگین و گریان بود. باورم نمی شود که مرده باشد. مرتب چشمم به در است. منتظرم در بزنند. مثل همیشه بگوید بابای مریم. بابای مریم، تو را به خدا به دخترم نگاه کنی. هنوز داره با تلفن حرف می زنه.

دختر ۲۰ روزه افشین

باورتان می شود زن سیاه پوش دیگری در یک گوشه تهران در مرگ این خواننده به سوک نشسته و آرام و قرار ندارد؟ باورتان می شود که افشین دختر ۲۰ روزه دیگری هم دارد؟... ما هم نمی دانستیم که افشین بعد از جدایی از آرزو با یک زن دیگر ازدواج کرده و زندگی می کرد که به تازگی صاحب بچه شده است.

منیژه، زن ۱۹ ساله سسپاهپوش می گوید: کسی از من خبر ندارد. شما هم ننویسید. بگذارید در تنهایی خودم بمریم. در اندوه بزرگی که همه زندگی، امید و آینده ام را سیاه کرد. بعد ادامه می دهد که: دو سال پیش بود که افشین را شناختم. افشین «زمستون» عاشق او شدم. دیوانه اش شدم و وقتی همه چیز را برایش گفتم، نگاه می به من کرد و گفت چرا من؟ من که نمی توانم دروغ بگویم. من که طاقت اشک و اندوه کسی را ندارم. دیواری کوتاه تر از من ندیدی؟!

به او گفتم فقط بگذار دوست داشته باشم. نه ازدواج می خواهم و نه تعهد و نه مزاحمت می شوم. به من گفت: من هم دوست دارم، ولی می دانم که خانواده ام مخالف هستند. عیبی ندارد، بیا با هم شروع کنیم، بالاخره به یک جایی می رسیم. بعد از ازدواج که من بچه دار شدم، می دیدم یک گوشه ای می نشیند و مرتب فکر می کند. می گفتم: چرا فکر؟ می گفت همیشه دلم می خواست سروسامان بگیرم، ولی حالا انگار قلبم را تکه پاره کرده ام. یک تکه توی امیرآباد کنار مریم، یک تکه کنار تو و بقیه اش مال ما درم. دیگر برای خودم هیچی نمانده است.

ادامه دارد

دلنوشته های آهان آهان دار

## محبوب صالح علا



عاشقی نمک این هستی است

محبوب! داستان، عجب داستانی است! ناگفتنی و پنهان.

محبوب! دوباره یاد شما می رسد. رودخانه نشانی غزال تشنه را از من می گیرد. پس کی توفان می رسد، عمر من از نیمه گذشته است. پس کی داور سوت می زند، زمین ها را عوض می کند. دوباره یاد شما می رسد. آتش بر خرمن تر می زند. همیشه آنکه ته صف ایستاده، عاشق است. عشق از قعر هستی می آید به پیشواز یاد شما.



یاد شما در جان عالم جنبشی می اندازد. هستی لال را به سخن وامی دارد. روزها مثل ماسه ها در رودها خورد می شوند، زیادند اما بی شمار هم نیستند. شما که از تعداد همه چیزهای عالم خبر دارید. صف چیزهای عالم را شمرده اید. دانه دانه برف ها... قطره قطره باران ها ... رودها ... موج ها ... نفس هایی که عاشق می کشند... تنها شماید که می دانید دل عاشق تنگ است. دوباره پاییز جان عاشق است که برگ در انتهای زوال می افتد و میوه در ابتدای کمال.

دست در زلفش زدم، شب بودو چشمش مست خواب در کنار او نشستم تا برآمد آفتاب

گفتمش خورشید سر زد، ماه من بیدار شو

گفت تا من برنخیزم کی برآید آفتاب؟! چشم، چشم را نمی بیند و کسی صدای کسی را نمی شنود، راهی به راهی باز نیست و زشتی بی نقاب، رخ نمی نمایاند.

محبوب! عاشقی نمک این هستی است. من هم هر صفحه ای را که برای شما می نویسم، روی چشم می گذارم و می بوسم. دعا می کنم که خداوند نگهدار نوشته ها، ترانه ها و کتاب های من باشد. خداوند نگهدار خاطره ها و خیال های من باشد.

دست می کشم سر نوشته هایم و می گویم: خدا نگهدار شما باشد که از صفحه صفحه کتاب من صدایی میاد. صدای آشنا میاد. بر تن ابریشم باد، بوی پرنده ها میاد، پرنده های دانشی، پرنده های باسواد.

محبوب! همه این حرف ها را شما اندازه دهان من کرده اید. اصلا حرف زدن با شما به دهان من شکل داده است. گاهی از خودم می پرسم چرا اینها را برای شما می نویسم؟ خنده ام می گیرد که پرش خنده آوری است. مثل این است که از پرند پرپی سرچرا آواز می خواند؟! از کبوترها پرسری چرا بغوغ می کنند؟! که این حرف ها جان عاشق را سرمست می سازند. هرچند که کلمات از زندگی ما عقب تر باشند. هرچند که عاشق ها، به کلمات دسترسی ندارند. یا وقتی که عاشقی نیاز به کلمات تازه ای دارد.

این حرف ها نباشد، تنهایی قوز کرده و عیوس زل می زند به هستی. کسی که عاشق نیست، خویشتن را دور می ریزد. عشق بی زحمت، عشق بدون رنج، بدون کلمات، مثل نان بی زحمت نمک ندارد. من خودم را دور نمی ریزم. هرچند شما از آنچه لیاقت من است، بیشتر باشید. هرچند واژه های ستمگر، قادر به بیان داستان من نباشند. من، خودم را دور نمی ریزم. بی واژه سخن می گویم.

محبوب! در دنیای گنجشک ها دروغ وجود ندارد. مانند دنیای عاشق ها. ما با هم پیچ می کنیم. خاطره هایی را که در اطراف مان ریخته، بازگو می کنیم که عشق آدمی را نو می کند.

ادامه دارد



«صادق تبریزی» از هنرمندان بنام مکتب سقاخانه در کلام شاکر دش «احمد میرزاده»



احمد میرزاده

## پیشگام در نقاشی خط ایران

می گرفتند ولی چون آقای تبریزی مینیاتور کار کرده است، فیگورهایش بیشتر ظرافت مینیاتورهای ایرانی را دارد. اما هر دو این هنرمندان جزو اولین کسانی بودند که با نگاهی تازه به مینیاتور و نقاشی دوره قاجار، آثاری مدرن را در این زمینه ارائه دادند. بعد از آنها ژانر تئاترایی این کار را کرد که البته کارهایش چون اکسپرسیو بود کمی از آن فضا دور شد. آقای طباطبائی هم در این مسیر راه خود را رفت و مخاطبان زیادی هم پیدا کرد و مجسمه‌های ایشان هم خیلی زیبا و موفق بودند.

**\* ایشان در روزهای پایان عمرشان آیا همچنان کار نقاشی می‌کردند؟**

– استاد تا ۴ ماه پیش از درگذشتش کار می‌کرد و مثل همیشه پرکار بود. البته من یادم هست که ایشان روزی ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار نقاشی می‌کردند اما در طول یکی دو سال اخیر شاید مدت کارکردنشان به نصف یاحتی یک سوم رسیده بود. هنرمند خیلی پرکاری بودند به طوری که آقای افجه‌ای در مصاحبه‌ای گفته بودند: «من هر وقت یاد صادق تبریزی می‌افتم و ایشان را قلم‌مو به‌دست و در حال کار کردن تصور می‌کنم. او کسی است که هیچگاه وقتش را تلف نمی‌کند و همیشه در حال کار کردن است.»

**\* چه شد که آقای صادق تبریزی انتخاب کردند که در لندن دفن شوند؟**

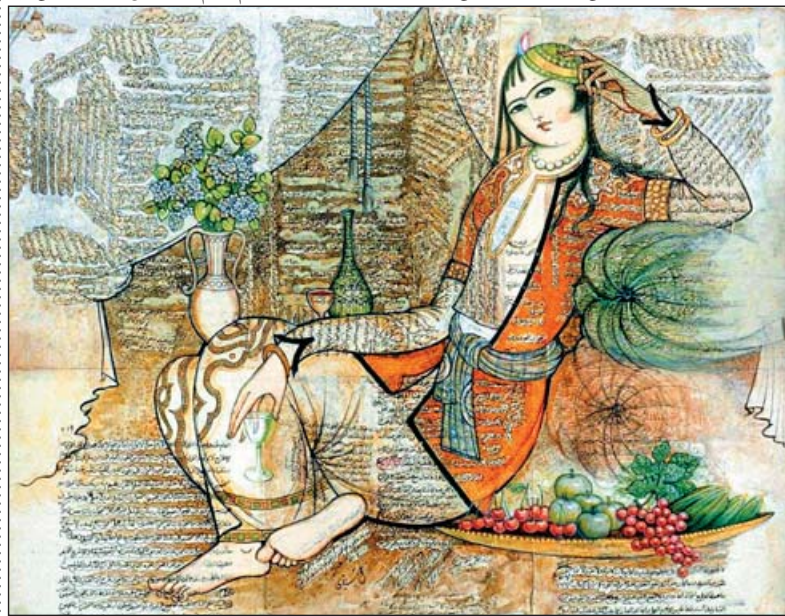
– ایشان از یک چیزهایی همیشه گریزان بودند؛ مثلاً در مراسم ختم هیچکس شرکت نمی‌کرد

مدرن را با آن کارها و با آن نمایشگاه شروع کردند و در واقع بعدها، دیگر هنرمندان شیوه ابداعی ایشان را پی گرفتند که البته هر یک از این هنرمندان راه خود را در نقاشی‌خاطر رفتند.

نقاشی‌خط برای این دست از هنرمندان بستری را فراهم کرد تا هر یک دیدگاه خود را به هنرهای گذشته مان داشته باشند. مثلاً مسعود عربشاهی در همین زمینه به هنر قبل از اسلام توجه می‌کرد و پرویز تناولی و حسین زنده رودی به طلسم‌ها و نقش‌های دست‌بافته‌های عشایری. این هنرمندان با توجه به اینکه تجربه هنرمندان مدرنیست نسل اول مثل جلیل ضیاءپور، محمودجوادپور، احمد اسفندیاری و... را هم دیده بودند، راه تازه‌ای را در پیش گرفتند که خود به مکتب سقاخانه منجر شد که به عقیده عده‌ای مهمترین مکتب هنری ایران و خاورمیانه محسوب می‌شود.

**\* با این اوصاف، کارهای ایشان بیشتر در کدام زمینه انجام می‌شد: مینیاتورهای مدرن شده یا نقاشی‌خط؟**

– هر دو. ایشان خصلتی داشتند که آن را به شاگردانشان هم منتقل کرده‌اند و آن اینکه وقتی از نقاشی فیگوراتیو خسته می‌شدند، به سراغ نقاشی‌خط می‌رفتند و به عکس، گاهی هم که از فضای انتزاعی نقاشی‌خط خسته می‌شدند، دوباره به فیگوراتیو روی می‌آوردند. من گاه می‌دیدم که خودشان برای یکی دو ماه فقط روی تعدادی نقاشی فیگوراتیو کار می‌کردند



اثری از استاد صادق تبریزی

و یا به جاهایی که خیلی شلوغ بود نمی‌رفت و مثلاً خیلی کم پیش می‌آمد که در افتتاحیه‌های نمایشگاه‌های هنری حضور پیدا کند و اگر هم به جاهای شلوغ می‌رفت، به خاطر اصرار دوست، مسئول یا مدیری می‌رفت و خودی نشان می‌داد و زود آنجا را ترک می‌کرد. این خصوصیت ایشان به معنای مردم‌گریزی نبود، ولی با هر جمعی هم نمی‌توانست ارتباط برقرار کند و اینکه الان ایشان لندن دفن شده است، به این خاطر است که دلشان نمی‌خواست در ایران باشد و اینجا در بستر بیماری دیده شود و از طرفی ایشان هیچ علاقه‌ای به مراسم خاکسپاری و برگزاری مراسمی مثل سوم و هفتم و چهلم که در ایران مرسوم است نداشت. ما با هم صحبت‌های زیادی خارج از بحث‌های هنری داشتیم و به همین دلیل من با روحیات ایشان در این زمینه آشنا بودم. با چنین شناختی است که من فکر می‌کنم ایشان تمایلی به برگشتن و دفن شدن در ایران نداشتند و بارها به من و مهرداد فلاح گفته بودند که تمایلی به برگزاری چنین مراسمی پس از مرگشان ندارند و با توجه به چنین روحیه‌ای من فکر می‌کنم دلایل همین بوده‌است. ایشان هیچگاه اهل هیاهو نبودند و همیشه دوست داشتند در خلوت خود کار کنند و حتی از ایشان مصاحبه کم می‌بینیم و این چند مصاحبه‌ای که با ایشان شده است و فیلمی که از ایشان این اواخر ساخته شده است، بیشتر به اصرار ما بود و خودشان هیچ علاقه‌ای به این کارها نداشتند.

و وقتی از این شیوه کار خسته می‌شدند به مدت دوسه ماه فقط روی نقاشی‌خط در اندازه‌های کوچک ۵۰×۵۰ سانتی‌متر تا کارهای بزرگ ۲×۲ متر کار می‌کردند. گاهی این کارها آنقدر بزرگ و وقت‌گیر بودند که ما شاگردانش برای یک سری کارها که در توانمان بود مثل کشیدن بوم روی چهارچوب یا رنگ‌آمیزی زمینه کار کمکشان می‌کردیم. از ایشان کارهایی برجای مانده است و ما خیلی از عکس‌های کارهایشان را در آرشیو مان گردآوری کرده ایم و همه این آثار قابل بررسی است، درباره فضاهایی که در کارهایشان ایجاد کردند یا خلاقیتی که در این آثار داشتند؛ چه در مینیاتورهای مدرن دوره نخست کاری‌شان و چه بعدتر که نقاشی‌خط‌هایی را روی پوست کار کردند و این سری دوم آثارشان در زمان خود جهانی شد و در پاریس به نمایش درآمد و روزنامه لوموند درباره ایشان و آثارش نوشت.

آخرین نمایشگاه استاد هم حدود ۴ سال پیش در لندن برگزار شد و شامل مجموعه‌ای از آثار فیگوراتیو و نقاشی‌خط‌های مدرن‌شان بود.

**\* کارهای ایشان در زمینه مینیاتورهای مدرن‌نیزه شده، خیلی شبیه کارهای ناصر اویسی است؟**

– البته یک تفاوتی میان کارهای این دو هنرمند وجود دارد، ناصر اویسی چون مرمت‌گر نقاشی‌های دوره قاجار بود بیشتر کارهایش متأثر از نقاشی‌های این دوره است که با تکنیک رنگ و روغن شکل



احمد میرزاده

بقیه از صفحه اول  
– بله، ایشان جزو اولین کسانی بودند که از دانشکده هنرهای تزئینی در رشته معماری داخلی فارغ‌التحصیل شدند، اما هیچوقت از این رشته استفاده نکردند و همواره به عنوان نقاش شناخته شده‌اند.

**\* نقاشی را از کی شروع کردند؟**

– پدرشان نقاش ساختمان بود و به واسطه دوستی پدرشان با نقاشان قهوه‌خانه‌ای با هنرمندانی مثل عباس بلوکی فر، حسین قوللر آغاسی و محمد مدبر آشنا شدند. وقتی بازار کار نقاشان قهوه‌خانه‌ای کساد می‌شد، آنها به اجبار پیشنهادهای کاری در خانه‌های اعیان و اشراف آن دوره را می‌پذیرفتند. به این ترتیب که آنها باید روی دیوار این خانه‌ها یک سری نقش و نگار می‌کشیدند که اصطلاحاً به آن لندنی‌سازی گفته می‌شد و همان نقاشی روی گچ بود.

وقتی آقای تبریزی در دوران کودکی با پدرش سر کار می‌رفت، این نقاشی‌ها را روی دیوار می‌دید و به این نقاشی‌ها علاقه پیدا کرد. به طوری که خود شروع به کار نقاشی کرد و حین آن در هنرستان پسران مشغول تحصیل در رشته نقاشی مینیاتور شد و از محضر بهترین اساتید مینیاتور در این هنرستان بهره برد. بعد از هنرستان، در بخش سرمایه‌گذاری وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد. آنجا پیرمردی را دید که در حال استفاده از خطوط ثلث روی کاشی بود و با تأثیر از کارهایی که آنجا دیده بود، مجموعه‌ای از ترکیب‌بندی‌های جدیدی را با به هم ریختن خطوط ثلث در کادر مربع شکل پدید آورد.

**\* ایشان چه شیوه‌هایی را در نقاشی به کار می‌بردند؟**

– آقای تبریزی کارهایی داشت که من سال‌های ۱۳۸۰ و ۸۱ آنها را دیده بودم و متأسفانه از این کارها حتی هیچ عکسی باقی نمانده است. متأسفانه خود ایشان در زمینه تهیه عکس از آثارشان و گردآوری آثاری که تا به حال انجام داده‌اند کوتاهی کردند و کارهایی را فروخته‌اند بدون این که هیچ عکسی از آنها نگه داشته باشند. کارهایی که گاه خیلی هم با دیگر آثارشان متفاوت بود.

کارهایی که ما از ایشان می‌بینیم، به دو بخش تقسیم می‌شود. یک بخش نقاشی‌های فیگوراتیو است؛ مینیاتورهای مدرن شده‌ای که گاه با نوشتار تزئین شده‌اند و این خطوط نوشتاری اغلب در زمینه نقاشی به کار می‌رفت. بخش دوم کارهایشان خود خطوط نوشتاری است که از ساختار این خطوط به عنوان موتیف در ترکیب‌بندی‌ها و کارهای متفاوتشان استفاده می‌کردند.

آقای تبریزی خط را نه به صورت کلاسیک و خوشنویسی شده آن، بلکه به صورت آبستره و مدرن به کار می‌بردند و در تعدادی از کارهایشان از انحناهای خطوط نستعلیق و شکسته نستعلیق استفاده می‌کردند.

شروع این شیوه کار برمی‌گردد به سال ۱۳۳۸ که ایشان روی پُتل سرمایه‌ی، خطوط نوشتاری را به صورت نامنظم و غیرقابل خوانش به کار برده بودند. آن دوره از کارهایشان سال بعد یعنی ۱۳۳۹ در نمایشگاه دوسالانه سرمایه‌ی پراگ به نمایش درآمد، ولی در نهایت آن شیوه کار را رها کردند و به مینیاتورهای مدرن خود روی آوردند.

با این حال، آقای نصرالله افجه‌ای و بعضی دیگر از هنرمندان مثل آقای پرویز کلانتری، اذعان می‌کنند که استاد تبریزی اولین کسی بودند که نقاشی‌خط به شیوه

نقد آثار منظوم و منثور  
عباس یمینی شریف



۲۰

## یار مهربان

هومن ظریف

لکنت نقد ادب کودک و نوجوان

از طرفی جملات شعر کیانوش، زبان کودک نیست و نیاز به درک بصری بالای خواننده دارد. و نیز از لحاظ اخلاقی، منتقد شعر کودک، دور از شأن ادبی است که شعری از خود را به عنوان قیاس بلافاصله ذکر کند. اما کیانوش در نقد خود چشم بر عرصه‌های موفقیت آمیز شعر یمینی شریف می‌بندد.

مثلاً در ذیل «تجنیس» و به صورت نامتناسب، شعری از امیر معزی می‌آورد و عامدانه از نمونه‌های تجنیس در شعر یمینی شریف غفلت می‌ورزد. در ذیل «تکریر» با عنایت بر اینکه صنعت «تکرار» در شعر یمینی، از صنایع بسیار متواتر است، غفلت می‌ورزد.

او که آشنا با مقوله نقد ادبی است، عامل شهرت را به عنوان تقبیح یمینی شریف مطرح می‌کند و با اینکه به «شهرت» یمینی شریف اذعان می‌کند، اما دلایل شهرت این شاعر را، برنمی‌شمرد.

محمود کیانوش، در بخشی از کتاب خود، بی‌توجه به طنز نهفته در «باران» شعر یمینی شریف، به عنوان نمونه‌ای از شعر کودکی که شاعرش باران و برف را «ویران کننده» و «مزاحم و پلید» معرفی کرده است، شعر یمینی شریف را نکوهش کرده است.

تنها نکته دلگرم‌کننده‌ای که در این ارجاع با دیگر ارجاعات شعر یمینی شریف در این کتاب متفاوت است، تنها لفظ «شاعر»ی است که کیانوش گویا «سهواً» از زبان اش در رفته است. چند نکته در نقد شعر یمینی شریف توسط محمود کیانوش قابل توجه است:

۱- هرگاه کیانوش در این کتاب، به نقد شعر یمینی شریف پرداخته است، نحوه جمله‌بندی و شیوه بیان متن، خارج از سیاق اصلی متن کتاب است. این مساله نشانگر این است که دغدغه نقد آثار «شخصیت» یمینی شریف برای او بیش از «آثار» وی است و نقد جریان شعر و ادبیات کودک و نوجوان است.

۲- محمود کیانوش، با شعر کودک، رویکردی تعلیمی و بکن‌نکن دارد و نگاه او به شعر کودک، برخلاف مخالفتی که با شعر تعلیمی دارد، اتفاقاً نگاهی سلبی و آرمانی و ایدئولوژیک است و این نگاه تحکمی یا ادعایی که در نقد آثار خود دارد در تعارض آشکار است.

۳- نقد کیانوش بر روی آثار یمینی شریف، شامل همه آثار شعر این شاعر نیست و آثار منثور (رمان‌های یمینی شریف برای نوجوانان) را در نظر نگرفته است.

۴- محمود کیانوش، فرض را بر این گذاشته بود، که جامعه پیش از او در دهه بیست و سی، بایست یک کیانوش یا همسان کیانوش در شعر کودک خلق می‌کرده است... بزرگترین مشکل یمینی شریف این بود که در جای خود و در زمان خود دیده نشد، بلکه از قاب زمان خود بیرون آورده شد و در قاب زمانه دیگری سنجیده شد.

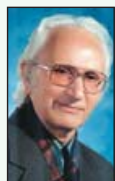
۵- محمود کیانوش، بسیار غیرمنصفانه اقدامات یمینی شریف در زمینه شعر کودک را نادیده گرفته است و آنها را بی ارزش جلوه می‌دهد. در صورتی که به گواهی تاریخ، همین اشتباهات عباس یمینی شریف، تنها یکی و فشار روانی که یمینی شریف در این عرصه تحمل می‌کند، نردبان ترقی امثال کیانوش می‌شود.

- ۱- همان، ص ۹۱.
- ۲- همان، ص ۹۲.
- ۳- همان، ص ۵۲.
- ۴- همان، ص ۱۰۶.

۵- محمد هادی محمدی، جایگاه عباس یمینی شریف از دیدگاه تاریخی به ادبیات معاصر کودکان. تارنمای موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات ایران.  
رضا سعادت، نقد و بررسی اشعار کودکانه ایرج میرزا و عباس یمینی شریف، دانشکده علوم انسانی آزاد اهواز، ص ۷۷.

ادامه دارد





خاطرات اجتماعی استاد امین الله رشیدی  
در عرصہ آواز و موسیقی

## یک عمر خاطره

۸۶

در اینجا طبعاً این سؤال پیش می آید که اگر عارف قزوینی دارای صدایی آنچنانی و محبوب عامه مردم بود، چرا حتی از جانب کمپانی های یادشده، یک صفحه گرامافون هم شده، به عنوان نمونه از آواز او ضبط و به بازار ایران عرضه نشد؟! البته خودستایی هنرمندان (تعریف از خود)

به خصوص شاعران در ایران قدمتی دیرینه دارد و کسی هم معترض آنان نیست و تا حدودی هم حق به جانب ایشان است و می توان گفت که حافظ شیرین سخن، از این نظر، در صدر قرار دارد. خواجه شیراز، آن خواننده خوش آواز و شاعر نغمه پرداز، در جای جای دیوان اشعار خود، از مقام و منزلت بلندش در شعر و آواز چنین یاد می کند: ۱- مست بگذشت و نظر بر من درویش انداخت گفت: کای چشم و چرا همه شیرین سخنان ۲- در یکی از غزلیات معروف، زهره (جنگ نواز آسمان ها) را مرید خود می داند، با این مطلع:

نماز شام غریبان چو گریه آغازم  
به مویه های غریبانہ گریه پردازم

و این مقطع:

ز جنگ زهره شنیدم که صبحدم می گفت:

مرید حافظ خوش لهجه خوش آوازم  
۳- در مقطع غزلی که ضمناً قدر ناشناسی مردم از هنرمندان را می رساند:

سخن دانی و خوش خوانی، نمی ورزند در شیراز

بیا حافظ که تا خود را به ملک دیگر اندازیم  
و در نهایت:

۹- ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ

به قرآنی که اندر سینه داری  
البته پیش از حافظ، دیگر همشهری او حضرت سعدی هم به چنین عملیاتی (!) دست زده اند:

اسعدی اندازه ندارد که چه شیرین سخنی  
باغ طبعش همه مرغان شکر گفتارند  
تا به بستان ضمیرت گل معنی بشکفت

بلبلان از تو فرومانده، چو بوتیمارند  
در اینجا شاید لازم باشد معنی (بوتیمار) را هم بدانیم که در حاشیه کلیات سعدی که من دارم، چنین آمده است:

بوتیمار، مرغی سفیدرنگ، گویند بر لب آبها  
نشینند و از غم آنکه می آید آب کم شود، با وجود تشنگی زیاد، آب نخورد! بدین سبب او را بوتیمار گویند، یعنی صاحب غم و اندوه.

۲- قیامت می کنی سعدی بدین شیرین سخن گفتن  
مسلم نیست طوطی را در ایامت شکر خای  
۳- من دگر شعر نخواهم بنویسم که مگس زحمتش می دهد از بس که سخن شیرین است!

و در نهایت:

۴- هر کس به زمان خویش سعدی است  
من سعدی آخرالزمانم

\*\*\*

آوردن انبوه خودستایی هنرمندان دفتری جداگانه می طلبد و ما به عنوان نمونه، به همین مختصر قناعت کردیم.

البته ادعای هنرمندان بزرگ و سترگی چون سعدی و حافظ و... تا حدود زیادی به جا و مورد قبول است اما این مدعای عارف نیز که: «امامز ایران، قرن ها مانند من پسری به وجود نخواهد آورد؛ زیرا خدا به من چهار پنج چیز داده که یحتمل در گذشته و آینده هم همه آنها را به یک نفر نداده و نخواهد داد!» جای بسی تأمل دارد و این را هم بگویم که عارف، بدون تردید نخستین هنرمندی است که تصنیف خوانی و ترانه سرایی را به معنای واقعی و ارزشمند آن در ایران آغاز کرده است و اکثر آثار او با گذشت زمان، زنده است و رنگ کهنگی به خود نمی گیرد و راز ماندگاری و جاودان بودن هنر نیز در همین نکته نهفته است.

ادامه دارد



## نگاهی به فیلم "آن سوی امید" ژست رهایی

پیچیده پناهندگی پلیس و برخوردهای دون شان انسانی می افتد و راهی به جز فرار و تن دادن به کار سیاه نمی بیند. کوریسماسکی همین جاست که انسانیته که در نظر دارد، به مثابه عنصری به غایت مهم و جدی در دنیای مدرنی که زندگی می کند، نشان می دهد. اما انسانیته که کوریسماسکی روایت می کند، در برابر واکنش های تند و سهمگین سرمایه داری و لیبرالیسم غربی، چیزی برای گفتن ندارد و کوریسماسکی به تراژدی - کمدی پناه می برد. چرا که تراژدی - کمدی را می توان مصیبت نامه مضحکی دانست.

در این گونه نمایش ها حوادث و امور جدی، سهمگین، فاجعه آمیز و متأثر کننده، با بیانی شوخی آمیز و طنزآمیز مقصود و نیت اصلی خود را بیان می کنند. علت وجودی، چرایی و چندی و چونی تراژدی - کمدی در وهله اول به دلیل نقطه دید، یا زاویه دید و یا به اصطلاح دیدگاه پدیدآورنده اصلی نمایش باز می گردد. کوریسماسکی نیز با قرار دادن انسان پناهنده ای در منظومه حوادث کاملاً تعمّدی که مصیبتی بر سرش نازل شده و نمی تواند راهی برای خود بیابد، وضعیت نامتعین او را برای ما بازگو می کند.

شاید بیان کوریسماسکی در دنیای فعلی ما جذاب و تا حدودی طنز باشد، اما نقطه نگاه او راهی برای رهایی نیست. او می خواهد وضعیت منهدم شدن انسانی را به نمایش بگذارد که در قربانگاه حوادث سلاخی شده است. دوربین کوریسماسکی، اگرچه آرمانی به نظر می رسد، اما باید زاویه دید او را به شکلی جدی در فضایی واقعی تعبیر کنیم.

کوریسماسکی در لایه های معرفتی فیلمش می خواهد هستی انسان را که موجودیت یافته را حقیقی روایت کند. از نظر او انسان، جامعه، طبیعت و ماوراءطبیعت یا متافیزیک زبان

غامضی نیست که نتوان درک صحیحی از آن به دست آورد، بلکه دانایی در دنیای امروز منوط به رفتاری است که از خود نشان می دهیم و این همان نکته ای است که کوریسماسکی در "آن سوی امید" به وضوح نشان داده است.

کوریسماسکی با پرسه زدن در کانون حوادث انسانی، رخدادهایی را نشان می دهد که کانون آن را باید در اخلاقیات و انسانیت دید.

همان نکته مبهمی که به سختی می پذیریم که همه ما لاقدر در انسانیت باید برابر باشیم. چیزی که آکی کوریسماسکی در مورد فیلم خود می گوید: «سینما تأثیر زیادی ندارد، اما تلاش صادقانه من این است به سه نفری که به تماشای این فیلم می نشینند، بقولانم که همه ما مانند یکدیگر هستیم. همه ما انسان هستیم و فردا این شما هستید که ممکن است پناهنده باشید.»

"آن سوی امید" فیلمی جدی است. فیلمی که نشان از غیبت طولانی انسانیت در قرن حاضر است. قرنی که هنوز کشتار و ویرانه ها را در نیمی از دنیا از پس جنگ جهانی اول و دوم را به خاطر دارد. قرنی که سرآغاز جنگش از ساریو و شروع شد و در ساریو و با کشتاری فجیع و جدالی خونین میان اقوام مختلف به پایان رساند.

اما اتفاقی که در "آن سوی امید" رخ داده، همین جنگی است که در فیلم دیده نمی شود. فضایی غم انگیز و سرد و همراه با همدلی، بی گمان فضایی جذاب برای "آن سوی امید" است. فضایی که می توان گمشده انسان ها را به آنها یادآوری کرد. اما یادآوری با چه میزان و چه موقعیتی می تواند گمشده انسان ها را به محک آزمون کشاند؟ فیلم "آن سوی امید" با دستمایه قرار دادن سرنوشت پناهجویی، می خواهد تذکری بر اتفاقی باشد که نه تنها طی سالهای گذشته روی داده بلکه همچنان ادامه نیز دارد.

"آن سوی امید" ساخته آکی کوریسماسکی، کارگردان فنلاندی است. این فیلم سرنوشت پناهجویی را در هلسنکی، پایتخت فنلاند، روایت می کند. خالد یک پناهجوی سوری است که با وجود عدم پذیرش درخواست پناهندگی اش تصمیم می گیرد بدون اجازه قانونی در خاک فنلاند باقی بماند. او با ویکستروم، شخصیت اصلی فیلم آشنا می شود. ویکستروم رستورانی در هلسنکی خریداری می کند و خالد را در این رستوران استخدام می کند. همان کار سیاهی که بسیاری از پناهندگان باید انجام دهند.

ویکستروم و خالد و سایر شخصیت های فنلاندی فیلم "آن سوی امید" حالتی درام - کمدی دارند. جنبه نسبتاً کمیک این فیلم باعث شده که فضایی در تضاد و توأم با تجربه دشوار برای خالد فراهم شود.

او که اکثر اعضای خانواده اش را در بمباران حلب از دست داده و خواهرش نیز در راه رسیدن به هلسنکی است، همان راهی را طی می کند که خالد طی کرده و این نکته ای بر پایان داستان فیلم است. گویی تکرار ملال و اندوه روایت روزهای سرگشته این روزهای ماست.

فضای کمیک فیلم، چندان محسوس نیست و نمی توان فیلم را در ژانری کمدی محسوب کرد، اما باید باور داشت که زندگی میان تراژدی و کمدی قرار دارد. کوریسماسکی با قرار گرفتن در چنین فضایی، زندگی نگون بختی را به تصویر می کشد که با تمام آلام و دردهایی که کشیده و عزیزترین چیزی که در دنیا دارد، یعنی خانواده را از دست داده و اکنون به غرب پناه آورده تا شاید اندکی بر زخمش مرهمی یافت شود.

اما او نیز در ورطه بوروکراسی سیستم



◀ منوچهر دین پرست





## سنگواره دلی که شکل تو بود



«عمید صادقی نسب»، شاعر و آهنگساز، صبح روز ششم اسفند، در سن ۴۲ سالگی بر اثر بیماری درگذشت. صادقی نسب در رشته موسیقی تحصیل کرده بود و آلبوم موسیقی او نیز «شنیدن سکوت» نام داشت که در سال ۹۲ منتشر شد. عمید صادقی نسب، فعالیت شعری خود را از دهه ۷۰ آغاز کرده بود و از آثار او می‌توان به «خودم را از چشم تو می‌بینم»، «کاکتوس روبان‌زده»، «چنگیز زنده است هنوز»، «پیامبری نشسته بر کنده بلوط»، «قانون آرامش» و «پرده گوش من از پنجره آویزان است» اشاره کرد. مروری بر نمونه‌هایی پراکنده از شعر و شاعری او را به یادش گره می‌زنیم:

(۱)

حیف شد!

باران تو را خیس و پاره کرد

ای کفش قرارهای عاشقانه ام

فکر می‌کنم

سال هاست که خورشید

از عشق ماه می‌سوزد

و باران

دلسوزی ابرهاست برای او

باران عرق ریزان ابرهاست

زمانی که سعی می‌کنند

زمین را دور خورشید بچرخانند

محض خاطر آن همه دیروز

نرو

کمی تحمل کن

بین قطره‌های باران

وقتی که از هم جدا می‌شوند

چه زود می‌میرند

این آسمان خجالت نمی‌کشد

با این همه سن و سال

تا دلش می‌گیرد

مثل بچه‌ها

می‌نشیند و های‌های گریه می‌کند.

(۲)

چه ترسی برم داشت

چه ترسی

وقتی نگاهت

معنای آغاز کتاب اولم بود

و این قدر

پتک لازم نیست

جمعهم ام طاقت این همه را ندارد

من اصلاً هیچ

به فکر دستان کوچک باش

باور کن

من تو را برای یک روز و صد سال نمی‌خواهم

برای همیشه می‌خواهم

که آینه بی قاب زود می‌شکند.

(۳)

قایقی، غرق شد!

دلم،

به حال ماهی‌ها سوخت

که برگشتند به دریا،

اما،

مرده ...

(۴)

مُردم

و سال‌های سال

از این ماجرا گذشت،

تا این‌که

روزی

کسی

در بقایای شهر ما

سنگواره دلی را یافت

که شکل تو بود ...

## در مجموعه شعر «سایه باد» سروده مهدی علیمردی

## غرایز مرگ و زندگی

دکتر مهدی دریایی-سامان عبدالرضایی



در آید، خود جزئی از نظم نمادین می‌شود و آن جزئی که مقابل نمادین شدن مقاومت می‌کند و از نمادین شدن سر باز می‌زند و از واقعیت کنار گذاشته می‌شود، خود تبدیل به امر واقع می‌شود و یک مقوله وقتی جایگاه تصادفی‌اش را در نظم نمادین از دست می‌دهد، چطور تبدیل به لکه‌ای مزاحم، که باید هرچه سریع‌تر از دست آن خلاص شد، می‌شود و لکه وقتی به طور تصادفی و به اشتباه جایگاهی در نظم نمادین اشغال می‌کند، چطور با جزئی در نظم نمادین اشتباه گرفته می‌شود.

مانند چارلی چاپلین در فیلم سیرک (The circuc) که وقتی به عنوان ولگرد از دست پلیس فرار کرده و وارد سیرک می‌شود و به طور اتفاقی و تصادفی روی طناب قرار می‌گیرد و با بندباز اشتباه گرفته شده و با جزئی در نظم نمادین اشتباه گرفته می‌شود و باعث حیرت، شگفتی، خنده و حیرت تماشاگران قرار می‌گیرد و اگر تماشاگران بفهمند که او تنها ولگردی است که از دست پلیس گریخته و به طور اتفاقی روی طناب قرار گرفته و به طور اتفاقی و تصادفی و به اشتباه جایگاهی در نظم نمادین را اشتغال کرده که متعلق به او نیست، تبدیل به لکه‌ای می‌شود که باید به سرعت از دست او خلاص شد.

به طور کلی غریزه عشق به توهم انسجام و یکپارچگی ارجاع می‌دهد و خلاءهای نظم نمادین را می‌پوشاند و از این مورد تنفر و انتقاد اسلاوی ژیزک است تا جایی که ژاک لاکان بیان می‌دارد که زبگموند فروید از ترس حمله هم‌قطارانش جانب غریزه زندگی را گرفته و گویا غریزه مرگ را میانه راه رها کرده است...

«آینه»

قلب‌ها را به هم پیوند می‌دهند / میوه‌ها را به هم / صورتم را / به آینه می‌چسبانم / باید مرز بین ما برداشته شود / ما آبی یک دریاییم / که آدم‌ها تنها از روی نقشه‌ها / جدایمان کردند. به عنوان مثال نوشته ذکر شده تماماً در بعد خیالی و بعد آیینگی قرار می‌گیرد. همه این عناصر در خدمت به وجود آوردن توهم انسجام و یکپارچگی هستند. از جملاتی مثل "قلب‌ها را به هم پیوند می‌دهند..." - با تأکید نگارنده بر

واژه پیوند- تا " باید مرز بین ما بر داشته شود / ما آبی یک دریاییم..." این شعر از منظر مورد بحث ما فاقد ارزش است. نمونه‌ای متضاد آن را مثال می‌آوریم:

«خراش»

باد / چنگ می‌خورد از بوته‌های خار / تکه تکه می‌شود در شاخه درخت / نفس / نفس می‌زند در شهر / و در عکس / به قتل می‌رسد...

در این چند سطر می‌بینیم که چطور غریزه ویرانگری خود را در تکه تکه شدن نشان می‌دهد و وقتی در عکس به توهم یکپارچگی می‌رسد به قتل می‌رسد و در ادامه شعر:

... باد / فرار می‌کند / فرار می‌کند / آنقدر فرار می‌کند / تا از پا می‌افتد. / راه می‌روم / دست می‌کشم به اشیاء / نفس می‌کشم در خواب / و هر بار تکه‌ای از خودم را جا می‌گذارم...

این تکه تکه شدن در عبارت "... و هر بار تکه‌ای از خودم را جا می‌گذارم ..." در مقابل عبارت بند قبل "... و در عکس به قتل می‌رسد ..." به غریزه مرگ (ویرانگری) اشاره دارد و در ادامه:

... چه کسی با انگشتی بریده / به من اشاره کرده است / که زخم‌هایم تمام نمی‌شود / چه کسی می‌داند / در کجا تمام می‌شوم / تمام می‌شوم در آینه ...

اشاره به توهم یکپارچگی و انسجام در امر خیالی (بعد آیینگی) و اثرات و فجایع آن بار دیگر در عبارت "... تمام می‌شود در آینه ..." تکرار شده است.

و باز در ادامه ی نوشته:

... ورد انگشت‌هایم / چنگ می‌شود به صورتش / خوشبخت / خراشی که روی آینه نشسته است / و زیبایی تو / از دو سو در آغوشش می‌گیرد.

رد انگشت‌هایی که چنگ می‌شود به صورتش و خراشی که روی آینه نشسته است، به نوعی اشاره به امر واقعی دارد که در امر خیالی و نیز نظم نمادین خلل و شکافی ایجاد کرده. خلل و شکافی که می‌توان از آن، خلل و شکاف امر خیالی و نظم نمادین را دید و: زیبایی تو / از دو سو در آغوشش می‌گیرد" و از همین شکاف و خلل است که می‌توان " از زیبایی تو " را دید، آن‌هم از سوی دیگری که این خلل و شکاف ایجاد کرده: " زیبایی تو / از دو سو در آغوشش می‌گیرد.

نکته دیگری که در این میان نباید از دستمان بگریزد، این است که یکی دیگر از عواملی که می‌تواند نظم خشک دیگری بزرگ که خود پدرسالارانه و مردسالارانه است را دچار خلاء و شکاف کند، وجود تخیل زنانه است و از این روست که وقتی پای زن به میان می‌آید، می‌خوانیم که: " زیبایی تو / از دو سو در آغوشش می‌گیرد.

از شبنم سحرگاه مست باش

اسب چوبی!

تو می‌توانی بتازی

یالت را بیاشوبی در باد

یا نجوا کنی با ماه...

تنها کافی است که عاشق باشی

حتی به اسبی چوبی در رؤیاهایت!...



اسب چوبی

علیرضا راهب

ای اسب

اسب چوبی

بکش

شیهه بکش

شب را به هم بریز

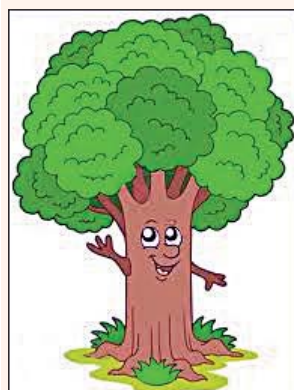




رضا شایع

## جای مردان سیاست بنشانیم درخت؟

خیلی خوب است که علاوه بر مردم و مسئولین کشوری، مدیران شهری ما هم اهل شعر و احساس باشند و به موقع، گریزی بزنند به صحرای ادبیات!...جای دوری نمی‌رود. مشکلی حل نشود، لاقط اعصاب آدم که تلطیف می‌شود. کمترین کار در جهت زیباسازی شهر تهران، زیبا حرف زدن است. ما هشت سال یک رئیس جمهوری داشتیم که با ادبیات کوچه بازاری‌اش کم‌کم داشت از یاد ما می‌برد که می‌شود زیبا و دل‌انگیز و بخردانه سخن گفت. در کشوری که فردوسی و سعدی و حافظ و مولانا و امثال ما را دارد!



چند وقت پیش، رئیس محترم شورای شهر تهران، در سی و یکمین جلسه این شورا که در بحبوحه آلودگی خفنی و خفه‌کننده تهران تشکیل شد، محسن آقا با اشاره به موضوع مطرح آلودگی شدیدالحن هوا و تعطیلی مدارس پایتخت، برای ارائه پیشنهاد در راستای کاهش آلودگی، از شاعر زلال و سبز ایران، سهراب سپهری،

مایه گذاشتند و خطاب به اعضای محترم شورای شهر گفتند:

جای مردان سیاست بنشانیم درخت

که هوا تازه شود...

حرف خیلی قشنگی است. کاش می‌شد عملیاتی‌اش کرد. اگر می‌شد، چه می‌شد. کل مملکت جنگل می‌شد. گلستان می‌شد. هفت پدر جنگل گلستان می‌شد. حالا ممکن است خبرنگاران رسانه‌های جمعی سؤال کنند که چطور می‌شود این کار را کرد؟ پرسش حق همه است. جواب ندادن هم حق مسئولان!...اما خود سهراب، پاسخی می‌دهد که ارائه راهکار است. شاهکار است:

به خدا ایمان آرید

به خدایی که به ما بیلچه داد

تا بکاریم نهال آلو

یعنی به خدا توکل کنید که این زمین پاک و آسمان آبی دست‌نخورده را درست تقدیم ما کرد و ما با غفلت و سهل‌انگاری، گند زدیم توش. ماشالا به چشم و ابروش‌بس که مسائل دیگری اولویت‌های ما شد و بودجه‌ها به سمتشان سرازیر شد. بحمدالله در دوره‌های ماضی که نمی‌توانستیم پول نفت را نقدی و جرینگی دریافت کنیم و باید تحریم‌ها را دور می‌زدیم؛ کلی بیل و بیلچه و دسته‌بیل وارد کشور شد. الان وقتش هست که بیلچه‌ها را برداریم و آستین بالا بزنیم و بکاریم نهال آلو!... حالا شما بگو آلبالو... بگو شفتالو... چه فرقی می‌کند. مهم کاشتن درخت است. همان که سابق در یک نگاه انحرافی به آن، می‌گفتند: نهال امروز، ذغال فرداست!

سهراب سپهری، در ادامه عرایض خود، با اشاره به حضور باشکوه مردم در انتخابات پیشین شورای شهر و رأی بالایی که به لیست امیدبخش دادند تا روی صندلی شورا بنشینند و شهر را سبز کنند، می‌گوید:

صندلی داد که رویش بنشینیم

و به آواز قمرگوش دهیم

به خدایی که سماور را

از عدم تا لب ایوان آورد...

خلاصه کلام این که فقط روی صندلی ننشینیم و به آواز قمر - البته با مجوز ارشاد - گوش ندهیم و از سماور چایی قندپهلوی بریزیم و سخنرانی کنیم. به عمل کار برآید، به سخنرانی (یا سخنرانی) نیست. مدیریت جهادی لازم است. از خداوند تبارک و تعالی یاد بگیرید:

و به پیچک فرمود:

— نرده را زیبا کن!

قابل توجه سازمان زیباسازی شهر تهران که با چیزهای آرامبخش، شهر را زیبا کند. نه شعارهایی که از صبح تا شب، دارد از تلویزیون پخش می‌شود، و باز ما پول ملت را هزینه کنیم که همان‌ها را در سطح شهر هم تکرار کنیم. و ایضا قابل توجه سازمان محیط‌زیست که این روزها شنیدیم دست به دعاست و منتظر آمدن باد، تا آلودگی هوا رفع شود. تا هوا تازه شود. مدیریت بادی!



## بخش دوم و پایانی

۱۰ ممد مقدمی

## هنر ادبی انتقاد از طریق استهزاء

من ایستادم اما فراز قله پست  
من ایستادم اما خوشا کسی که نشست  
من ایستادم این سان صبور و پا بر جا  
چه بود حاصل صبرم؟ شکست پشت شکست  
ولی صدای شکست مرا کسی نشنید  
شبهه سنگ مزاری که در سکوت شکست  
شکست سنگ ولی خواب‌ها نمی‌شکند  
کجاست ناله شب زنده دار و نعره مست؟  
چه سود از ورزش باد و موج در مرداب؟  
که موج وهم میان سراب‌ها هم هست  
به موج و باد مگر زنده می‌شود مرداب  
که سر به باد سپردند قوم مرده پرست؟  
راوی از تصویر کردن احوال خویش در میان سوژه  
مورد نظرش (هم پالکی‌های دیروز) به تصویر کردن احوال  
سوژه (مانده در خویش و شعاع خویش و رکود خویش)  
سوق می‌یابد و پس از طعنه سه بیت نخست، طی سه  
بیت دیگر به تسخر و توبیخ و استهزاء سوژه می‌پردازد.  
این بیان در دو بیت ادامه شعر با هنرمندی اوج می‌گیرد و  
در دو بیت پایانی با بیانی کنایی فروکش می‌کند  
در این خیال که هر قطره می‌شود دریا  
امید، قطره به قطره به یکدگر پیوست  
این بیت که ظاهری امیدوارانه دارد، مقدمه‌ای  
می‌شود تا ضربه طنز بیت بعد کاملاً مهلک و کاری باشد  
به هرچه جاری و پیوسته بود پیوستیم  
زمانه، جاری و پیوسته هرچه بود گسست  
طنزی فاخر و البته بسیار تلخ که نه تنها مفرح و حتی  
خنده‌انگیز نیست، بلکه لبخند تلخ نیز به بار نمی‌آورد. و  
خاکستری که نهایتاً بر جای می‌ماند  
چه مانده است بجز باد سرد افسوسی  
از آن امید و از آن زنده بادها در دست؟  
به غبطه می‌گویم خوش‌به‌حال قاصدکی  
که رفت بر باد اما به باغ امید نبست  
این دست طنز ارجمند در شعری کوتاه با نام  
"جلاد ۳" (ص ۶۱) با بیانی آبرونیک اجرا شده است.  
تصویری موحش از وضعیت انسان در دو سوی یک  
موضوع  
شبی پرکار طی شد  
همچنان در خواب سنگین شهر بی‌فریاد  
به خانه می‌رسد جلاد  
بار خستگی بر دوش  
چراغ خانه اش روشن  
چراغ خانه‌های دیگران خاموش  
و شعر کوتاه "جلاد ۲" (ص ۶۳) را که نقدی گزنده  
است بر سکوت و بی‌خبری "شاعر" از همه جا بی‌خبر  
و سر در لاک شعر؛ همراه با توبیخ و استهزاء  
چه فرصتی شاعر!  
مجال خواندن یک عاشقانه منظوم  
میان نعره جلاد و ناله محکوم  
چه فرصتی شاعر!  
چه بزدلانه! چه شوم!

در ادامه، به دو غزل و دو قطعه نیمایی از مجموعه "دلک و شاعر دربار ۲" می‌پردازیم و سعی خواهیم کرد از طنزی بگویم که معمولاً از تعریف عام دور می‌ماند. در غزلی با عنوان "در خزان" (ص ۷) با تصویر فضایی تراژیک روبرو می‌شویم که با اضافه شدن بیت دوم بهتر است بازگردیم و بیت نخست را در پرتو بیان بیت دوم بخوانیم



وه چه شوم و وحشتناک زرد در خزان مردن  
سرو بودن و آخر در تنور نان مردن  
در پرتو بیت دوم است که متوجه میل خود خواسته  
سوژه طنز در رسیدن به عاقبتش می‌شویم  
ترس من نه از مرگ است می‌هراسم از ماندن  
مثل دیگران بودن، مثل دیگران مردن  
طنزی فاخر. خالی از خنده؛ همراه با توبیخ؛ آمیخته  
به استهزاء و تأسف. و در ادامه، استفاده از بیانی آبرونیک  
برای به تصویر کشیدن گناهکاری سوژه مورد نظر  
بره‌های پروازی از چرای بی‌عاری  
سرنوشت شان باری بر در دکان مردن  
آی باد غارتگر، از گناه ما مگذر  
شیوه شقایق‌هاست سرخ و بی‌نشان مردن  
این غزل، نقدی گزنده و تلخ است که با بهره‌گیری از  
هنرمندی شاعر در پرداخت طنز در اثنای ابیات، موقعیت  
و احوال تأسف بار و سزاوار نقد سوژه را به روشنی پیش  
چشم مخاطب قرار می‌دهد.  
در بیت ماقبل پایانی نیز (پس از رجز شاعرانه بیت  
پنجم) بیان طنز رخ نموده است  
با تو با توای ای مرگ، ما حریف می‌دانیم  
در تبار ما رسم است رو به آسمان مردن  
آی مرغ آتشزاد، قسمت کلاغان باد  
هم در آشیان زادن، هم در آشیان مردن  
غایت سرافرازی اهتزاز بر دار است  
جان بی‌قرار  
این رویه در غزل "من ایستادم" (ص ۱۴) به گونه‌ای  
دیگر اتفاق افتاده است.  
با طعنه به تعریف عام "پیروزی و شکست". در بیت  
دوم، سبب تناقض نمایی بیت اول بر ما روشن می‌شود.  
موضع دو بیت نخست، انتقادی است بر فضای حاکم  
و رایج در میان عموم یک اجتماع.  
تعریفی به تعریف عام گروهی که سر در جهل و  
نادانی خود فروبرده اند



## فیروزه مظفری



\* متولد ۱۳۴۹ — تهران  
\* دارای مدرک کارشناسی گرافیک از دانشگاه تهران  
\* همکاری با نشریات مختلف به عنوان کاریکاتورست  
\* عضو کمیته اجرایی ششمین دوسالانه کاریکاتور تهران



امروز در تاریخ

## گردشگری هفت ساله «ناصر خسرو»

پنجم مارس سال ۱۰۴۶ میلادی ناصر خسرو قبادیانی نویسنده، شاعر، فیلسوف و گردشگر ایرانی سفر ۱۹ هزار کیلومتری تقریباً ۷ ساله خود در جهان اسلام را آغاز کرد که محصول آن کتاب ارزشمند «سفرنامه» است. وی این سفر تاریخی خود را از شهر مرو آغاز کرد که در ۲۳ اکتبر ۱۰۵۲ میلادی پایان یافت. به حساب مؤرخان تاجیک، سفر ناصر خسرو ششم مارس آغاز شده بود. سفرنامه ناصر خسرو را اطلاعات جامعی درباره تاریخ، جغرافیا و وضعیت زندگی مردم، جمعیت، طرز حکومت و بناهای تاریخی و... مناطق مورد دیدار به دست می دهد و یک کتاب مرجع به شمار می آید.

## تنظیم تقویم خورشیدی توسط خیام

تقویم هجری خورشیدی که مورد استفاده ما ایرانیان است، ششم مارس ۱۰۷۹ میلادی توسط حکیم عمر خیام نیشابوری تکمیل شد که به تقویم جلالی معروف است، زیرا که در زمان حکومت جلال الدین ملکشاه سلجوقی تنظیم شده بود.

این تقویم دقیق تر از تقویم میلادی است که آن هم خورشیدی است، زیرا که عدم دقت آن هر ۳۷۰ سال، یک روز است و تقویم میلادی هر ۳۳۳ سال.

گرماني ها ابواسحق اينجو را شكست دادند

ابو اسحق اینجو که در سال ۷۱۰ هجری خورشیدی خود را شاه فارس اعلام کرده بود در صدد بر آمد که یزد و کرمان را که امیر مبارز آل مظفر بر آنها حکومت می کرد بر قلمرو خود بیافزاید. وی به سال ۱۳۵۰ میلادی به کرمان لشکر کشید و این شهر را محاصره کرد ولی دو هفته پیش از نوروز از کرمانها شکست خورد و به شیراز باز گشت. با این شکست، حکومت ابو اسحق بر فارس هم چندان دوام نداشت و این خطه به تصرف آل مظفر درآمد.

## دو شاه در یک زمان در ایران!

از درگذشت کریم خان زند که در طول حیات راضی نشده بود او را شاه بخوانند و تا پایان عمر عنوان «وکیل مردم» را حفظ کرده و از زندگی توده مردم دور نشده بود، دو برادرش زکی خان و صادق خان، هر دو خود را جانشین او و «شاه ایران» اعلام کردند. زکی خان در شیراز خود را شاه خوانده بود و صادق خان در ششم مارس ۱۷۸۰ در کرمان اعلام پادشاهی کرد.

www.iranianshistoryonthisday.com

## قاب امروز



بازار تره بار در هند/عکس از: سید علی یوسف تقوی

## سرایه

ای کاش جان‌خواه مدعشوق جانی‌ما  
تا مدعی بمیرد از جان فشانی‌ما  
گر در میان نباشد پای وصال جانان  
مردن چه فرق دارد با زندگانی‌ما  
ترک حیات گفتیم کام‌از لیش گرفتیم  
الحق که جای‌ر شکاست بر کامرانی‌ما  
سودای او گزیدیم جنس غمش خریدیم  
یا رب زیان مبدا در بی زبانی‌ما  
در عالم محبت الفت به هم گرفته  
نامهربانی، او با مهربانی، ما

در عین بی‌زبانی با او به گفتگویم  
کیفیت غربی است در بی‌زبانی ما  
صد ره ز ناتوانی در پایش اوفتادیم  
تا چشم رحمت افکند بر ناتوانی ما  
تا بی‌نشان نگشیم از وی نشان نجسیم  
غافل خبر ندارد از بی‌نشانی ما  
اول نظر دردیدیم پیراهن صوری  
آخر شد آشکارا راز نهانی ما  
تا وصف صورتش را در نامه ثبت کردیم  
مانند اهل دانش پیش پیش معانی ما  
تدبیرها نمودیم در عاشقی فروغی  
کاری نیامد آخر از کاردانی ما  
فروغی بسطایی

و غمِ بسطامی

۲۱۴۱ سودو کو

1					2		5	
6	5		1				3	
		2					9	4
			2	8				
3								9
				6	3			
5	4					8		
	6				1		2	3
	2		5					1

۷	۳	۱	۹	۲	۶	۴	۵	۸
۴	۵	۸	۷	۳	۱	۹	۲	۶
۹	۲	۶	۴	۵	۸	۷	۳	۱
۱	۷	۳	۶	۸	۹	۲	۴	۵
۲	۹	۴	۱	۷	۵	۶	۸	۳
۶	۸	۵	۳	۴	۲	۱	۷	۹
۵	۱	۷	۲	۶	۳	۸	۹	۴
۳	۴	۹	۸	۱	۷	۵	۶	۲
۸	۶	۲	۵	۹	۴	۳	۱	۷

حل ۲۱۴۰

۴۶۵۴ جدول شرح در متن

[illegible]

## چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۱۵ اسفندماه ۱۳۵۶  
(برابر با ۲۶ ربیع الاول ۱۳۹۸، ۶ مارس ۱۹۷۸) نقل شده است.

## نحوه انتقال ادارات از تهران به اراک

مقدمات نقل و انتقال کادر استانداری استان مرکز به اراک فراهم شد. و آن بخش از ادارات کل در وزارتخانه‌ها و موسسات که تحت عنوان اداره کل استان مرکزی فعالیت دارند به تدریج در سال جدید به اراک منتقل می‌شوند.

خبرنگار ما امروز کسب اطلاع کرد: کلیه اداراتی که کارشان استان مرکزی را دربر می گیرد شامل این نقل و انتقال خواهند شد. بنابراین علاوه بر اعضای کادر اداری استانداری استان مرکز که اکنون در تهران مستقر هستند کارمندان بیش از بیست اداره کل دیگر نیز باید به اراک بروند.

## موج تحریم کالاهای گران در سراسر کشور

موج تحریم کالا‌های گران و به‌ویژه میوه، رفته رفته سراسر کشور را فرا می‌گیرد. در تهران پس از آنکه زنان عضو کمیته ملی مبارزه با گرانفروشی خرید میوه گران را تحریم کردند، کارگران و خانواده‌های آنان نیز به این نهضت تحریم پیوستند. فرهنگیان نیز قول داده‌اند در صورت ادامه گرانفروشی، خرید کالا‌های گران و به‌ویژه میوه را تحریم خواهند کرد.

در اطلاعیه‌ای که از سوی سازمان کارگران  
انتشار یافته، آمده است: به منظور حمایت از تصمیمات  
کمیته حمایت از مصرف‌کنندگان و همچنین مبارزه با  
گران‌فروشی، نمایندگان کارگران و سندیکاهای کارگری  
تهران از امروز خرید پر تفلال و انواع میوه را برای کارگران  
و خانواده بلافضل آنها تحبم که کند.

آزادی زندانیان عادی و امنیتی هفته آینده آغاز می‌شود

مقدمات آزادی گروه زیادی زندانی از زندان‌های سراسر کشور فراهم شده است و این گروه از شنبه آینده (۲۴ اسفند - زادر روز رضا شاه کبیر) حداکثر تا پایان اسفند ماه از زندان‌ها آزاد خواهند شد.

این گروه از بین زندانیانی انتخاب شده‌اند که قانون عفو محکومین به مناسبت یکصدمین سالگرد زادروز اعلیحضرت رضاشاه کبیر شامل آن‌ها شده است. لایحه عفو مشمول محکومینی که تا پایان سال آینده حکم دادگاه در مورد آنها به مورد اجرا گذاشته می شود نیز خواهد شد. بر اساس این قانون، مجازات زندان گروهی از زندانیان شد کاهش می یابد.

### حقوق فروردین زودتر پرداخت می شود

پرداخت پاداشی در اکثر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی شروع شده و تاکنون عیدی کارمندان بسیاری از سازمان‌های دولتی به حساب آنان واریز گردیده است. پرداخت حقوق اسفندماه نیز تا اواخر هفته آینده در تمام وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی انجام می‌شود و به این ترتیب حقوق ماه جاری کارکنان دولت زودتر از ماه‌های قبل پرداخت می‌گردد. گفته می‌شود پرداخت حقوق فروردین نیز به‌نحوی که حدود دو تا سه روز پرداخت‌های مربوط به قبل از عید عاصله زیادی نداشته باشد.

## تصمیمات تازه دولت به

### رای تثبیت قیمت‌ها و مبارزه با گرانفروشی

به منظور اجرای اوامر شاهنشاهی و اجرای اصل چهاردهم قیمت گذاری کالاها، مجدداً با شدت و قدرت بیشتری انجام خواهد شد و قیمت کالاها مرتباً به اطلاع عموم خواهد رسید.

امروز اولین جلسه کمیسیون آرزاق که زیر نظر مستقیم نخست وزیر انجام وظیفه می کند پس از صدور اوامر جلید در کاخ نخست وزیری تشکیل شد. در این جلسه که مقامات مسئول مملکتی در امر تولید و توزیع حضور داشتند، در مورد نحوه اجرای اوامر شاهنشاه آریامهر گفتگو هائ انجام گرفت و تصمیمات اتخاذ شد.

امروز و فردا در قلعه یون بسند

برنامه اول (دوشنبه)	۲۳:۱۰ اخبار
۱۷:۰۰ اخبار	تولوز یون دوم (دوشنبه)
۱۷:۰۵ کودکان	۱۸:۳۰ موسیقی و تصویر
۱۸:۰۰ اخبار ورزشی	۱۹:۰۰ اخبار
۱۸:۳۰ از استان ما	۱۹:۱۰ پلنگ صورتی (شرلوک هولمز: صورتی)
۱۸:۵۰ عروج انسان	۱۹:۳۰ حادثه جویان
۲۰:۰۰ سرزمین ما	۲۰:۰۰ ره آورد
۲۰:۳۰ اخبار	۲۰:۳۰ دارا و ندا (قسمت ۲۱)
۲۰:۵۰ دنیای خبر	۲۱:۳۰ اخبار
۲۱:۱۰ عبور از تاریخ	۲۲:۰۰ پرش روز
۲۱:۴۰ آقای مربوطه	۲۲:۰۵ درودی: سروتی و بلرود
۲۲:۴۰ سینمای دوشنبه شب:	۲۲:۱۵ کسب و تفت